

سیاست و حکومت کلینتون در مورد ویتنام

گرهارد ویل*

ترجمه: لادن مختاری**

۳۱

سفر کلینتون به ویتنام که پس از ۲۵ سال، نخستین دیدار یک رئیس جمهور آمریکایی از این کشور است، اندیشه‌های پژوهشی نسبتاً جامع با موضوع «کلینتون و سیاست آمریکا در ویتنام» را زنده کرد. در این نوشته، ابتدا بحث را با شمه‌ای از تاریخچه «روابط ویتنام و آمریکا» پس از سقوط سایگون^۱ آغاز می‌کنیم و سپس به طور جامع به بررسی سیاست آمریکا در ویتنام، در دوران حکومت کلینتون می‌پردازیم. اهمیت این بررسی، کسب شناختی دقیقتر از نوع استراتژیهای متخذه آمریکا در مقابل کشوری است که او را با وجود تحریمهای متعدد شکست داد. شناخت روند کنشها و واکنشهای این دو کشور در طول جنگ و پس از آن می‌تواند به مثابه الگویی برای مصادیق مشابه عمل کند.

ویتنام و آمریکا از زمان سقوط سایگون

درگیری میان آمریکا و کمونیستهای ویتنام که بیش از دو دهه ادامه داشت، قربانیان بسیاری از دو طرف گرفت. قربانی شدن این عده همچنان با شعار «هوشی مین» رهبر

* Gerhard Will بیش از یک دهه همکار تحقیقاتی موسسه فدرال مطالعات بین المللی و علمی شرق BIost شهر کلن آلمان است. وی پژوهشهای بسیاری را در مورد ویتنام در این موسسه معتبر آلمانی منتشر کرده است.

** کارشناس ارشد زبان آلمانی و مترجم متون سیاسی
مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل شناسی - آمریکاشناسی، جلد ششم، ۱۳۸۰، صص ۶۸-۳۱.

ویتنام شمالی توجیه می‌شد: «هیچ چیز ارزشمندتر از استقلال و آزادی نیست.» در این میان، استدلال واشنگتن نیز برای نوع مدیریت نظامی اش در ویتنام با «نظریه دومینوی» معروف صورت می‌گرفت. بر اساس این نظریه، ویتنام دارای یک نقش مطلق کلیدی در آسیای جنوب شرقی بود. طبق این نظریه، موفقیت کمونیسم در ویتنام، ناگزیر زنجیره‌ای از پیروزیهای کمونیسم را در سراسر آسیای جنوب شرقی به همراه می‌آورد. سالهای پس از ۱۹۷۵ نشان داد که استدلالات هر دو طرف تا چه پایه سست بوده است. کمونیستهای ویتنام که «محو هر گونه نفوذ امپریالیستی آمریکا» را بر پرچمهای خود نوشته بودند، به طور مداوم سعی می‌کردند رابطه خود را با واشنگتن عادی سازند و نتیجه کار را به یک مدیریت اقتصادی تازه از سوی آمریکا مرتبط کنند.

اما تا سال ۱۹۸۹ در کنگره آمریکا برای عادی سازی روابط با آن کشور، رأی اکثریتی که تا پیش از سال ۱۹۷۵ در اولویتهای منافع سیاست خارجی آمریکا قرار داشته باشد، به وجود نیامد، به طوری که عدم مدیریت، اقدام بسیار بزرگی به نظر می‌رسید. در این جا ابتدائاتشهایی را که برای تنش زدایی از مناسبات دو جانبه صورت گرفته است، به طور خلاصه توضیح می‌دهیم. آنگاه علل موفقیت بسیار محدود این تلاشها، تحلیل و نیز دیدگاههای قابل درک برای تحول مناسبات میان دو کشور ارایه می‌شود. مبنای این نوشته، بیشتر بر ارزشیابی موضع گیریهای دولتی و تفسیر رسانه‌های دو کشور قرار دارد. مقالات روزنامه‌ها و نشریات بین‌المللی، منابع اطلاعاتی این پژوهش را تشکیل می‌دهند. همچنین کارهای تحقیقاتی آقای «نایان شاندا» (Nayan Chanda) نقش مهمی در انجام این پژوهش داشته است. وی با تحلیلهای خود از اسناد مکتوب و با انجام مصاحبه‌های متعدد با سیاستمداران مترقی دو کشور، این پژوهش را تکمیل کرد و تصویر بسیار نزدیکی از مهمترین بازیگران و نیز از مشاهدات خود در مورد منافع متعدد آنان ارایه کرد.

در نخستین سالهای پس از پیروزی بر جمهوری ویتنام جنوبی (که مورد حمایت آمریکا قرار داشت)، دولتمردان هانوی بر این نظر بودند که شاید بتوان برای برقراری روابط دیپلماتیک با آمریکا تعیین شرط کرد. مهمترین شرط، تضمین کمکهای اقتصادی بود. آمریکا

طی ماده ۲۱ از توافقنامه آتش بس ژانویه ۱۹۷۳، با ارایه این کمکها موافقت کرد. حجم این کمکها طی حکم رییس جمهور نیکسون در اول فوریه ۱۹۷۳ به میزان حدود ۳,۷۵ میلیارد دلار بر آورد شد. در این میان، حکومت «فورد» نیز همچون حکومت «کارتر»، این تعهدات را طبق ماده ۲۱ به عنوان امری الزام آور به رسمیت شناخت، زیرا هانوی با تصرف ویتنام جنوبی، مفاد توافقنامه را زیر پا گذاشته بود.

البته حکومت کارتر توضیح داد که پس از برقراری روابط دیپلماتیک، منابع ملی و راه کارهایی پیدا خواهد شد که این کمکهای اقتصادی را برای ویتنام تضمین کند و بدون تردید، این امر، صرفاً به دلیل تعهدات مزبور در ماده ۲۱ و دامنه عملی که نیکسون با آن موافقت کرده، نخواهد بود. البته امتناع هانوی از موافقت با برقراری روابط بی قید و شرط دیپلماتیک و نیز وجود مخالفان پر شور در کنگره آمریکا با ارایه هر نوع کمک به ویتنام، نخستین تلاشها را برای تنش زدایی از مناسبات دو جانبه به کلی از بین برد.

انزوای فزاینده هانوی در حوزه سیاست خارجی از بهار ۱۹۷۸ به تغییر وضعیت و جابه جا شدن موقعیت این کشور انجامید. دست کم به منظور رهایی از برقراری ارتباط یک جانبه سیاسی با اتحاد شوروی، رهبری ویتنام خواست خود را برای بازسازی به درخواست کمک از آمریکا محدود نمود و برای برقراری روابط دیپلماتیک بدون پیش شرط اعلام آمادگی کرد. در این میان - البته در حکومت کارتر - خط مشی برژینسکی، مشاور امنیت ملی به مرحله اجرا در می آید. برژینسکی از همکاری استراتژیک با جمهوری خلق چین و نیز به رسمیت شناختن کامل پکن از نظر دیپلماتیک دفاع می کرد. البته از نظر برژینسکی، پذیرش همزمان روابط دیپلماتیک با هانوی و پکن فقط حساسیتهای بی مورد به وجود می آورد. او برای دولتی اولویت قایل می شد که به هر حال فقط دولتمداری (به وکالت) از مسکو در آسیای جنوب شرقی بود. انعقاد توافقنامه دوستی میان ویتنام و اتحاد شوروی در سوم نوامبر ۱۹۷۸، سپس ورود نیروهای ویتنام به کامبوج و تأسیس حکومتی دوستدار ویتنام در «پنوم پن» سیاست برژینسکی را - هر چند در مواردی به شکل یک «پیشگویی خود رضامندانه» (Self-Fulfilling Prophecy) - توجیه می کند.

حملات شدید بر ضد جمهوری خلق چین و سیاست کارتر در ویتنام که ریگان در زمان مبارزه انتخاباتی خود آن را اعمال می کرد، در هانوی این امید را زنده کرد که با وجود چنین موضع انتقاد آمیزی در مقابل جمهوری خلق چین، مناسبات مطلوبتری با ویتنام برقرار خواهد شد، اما به سرعت معلوم شد که این امید، توهمی بیش نیست، با این حال، تصدی ریگان به سمت ریاست جمهوری، موجب حرکتی در سیاست آمریکا در ویتنام شد.

انگیزه اصلی ریگان در اجرای این سیاست، روشن کردن سرنوشت سربازان مفقود الاثر آمریکایی در ویتنام بود. با شکل گیری گروه بندیهای سیاسی در پیرامون ریگان، حکومت وی مرتباً این خواست را تکرار می کرد. نزدیکی سریع چین و اتحاد شوروی به یکدیگر و بروز اختلاف میان چین و آمریکا، موجب فرصت طلبی هانوی و اعلام آمادگی آن کشور برای همکاری در مورد مسئله مفقود الاثر ها شد. با وجود وخامت گاه و بیگاه اوضاع - به ویژه پس از دیدار ژنرال «وسی» (Vessey) از ویتنام در اوت ۱۹۸۷ - همکاری کاملاً موفقی در مورد این مسئله میان دو دولت انجام شد. گروه مشترک کارشناسی از دو کشور، مسئله سقوط ناگهانی هواپیماهای آمریکایی را بررسی کردند و اطلاعات واصله طی دیدار مرتب کارشناسان دو دولت ارزیابی شد. به این ترتیب، از زمان دیدار ژنرال «وسی»، بقیه ۲۳۶ سرباز رو به مرگ آمریکایی به علاوه اطلاعاتی در باره ۶۱ سرباز دیگر، به آمریکا منتقل شدند. در پایان سالهای بین ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۲ فقط وضعیت ۱۳۰ مفقود الاثر روشن شده بود. در مجموع، میزان اطلاعات در مورد مفقود الاثرهای جنگ ویتنام، چهار برابر بیش از اطلاعات ارایه شده در مورد مفقود الاثرهای جنگ جهانی دوم یا جنگ کره بود.

به تصمیم کنگره آمریکا در پنجم ماه مه ۱۹۷۷، اساساً حکومت آمریکا حتی از انجام مذاکره در مورد کمک یا هر صورت دیگری از پرداخت نیز منع شد. با این حال، در این کنگره درخواست دیگری مبنی بر متعهد ساختن حکومت آمریکا به استفاده از همه نفوذ خود در سازمانهای مالی بین المللی برای ممانعت از هرگونه پرداخت به ویتنام به اکثریت کافی دست نیافت. از سال ۱۹۸۷، پس از تلاشهای وافر ویتنام به منظور تصفیه مناسبات خود با صندوق بین المللی پول و سازمانهای مشابه و در نتیجه ورود به فهرست کشورهای شایسته دریافت

اعتبار، حتی امکان انتقال پول آمریکا نیز از طریق این سازمانها به ویتنام و کمک به توسعه این کشور، بار دیگر فراهم شد. تا این زمان، کمکهای بشردوستانه در سطح دوجانبه، تنها از سوی سازمانهای کمک رسانی خصوصی صورت گرفته بود. اقدامات کمک رسانی تا سال ۱۹۸۷ برای صدور مجوز، فرآیند دست و پاگیری را طی می کرد، اما حکومت ریگان پس از امضای بیانیه آمریکاییتنام در اوت ۱۹۸۷، برای تشویق سازمانهای کمک رسانی خصوصی نسبت به حضور تعیین کننده در ویتنام و صدور مجوز - به ترتیبی که کمتر دست و پا گیر باشد - اعلام آمادگی کرد. البته حکومت آمریکا مانند گذشته از تأمین خواست ویتنام مبنی بر تخصیص منابع مالی آمریکایی به اقدامات کمک رسانی به ویتنام امتناع می کرد.

با امضای توافقنامه ای میان ویتنام و «کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد» (UNHCR)، در مورد «تنظیم برنامه عزیمت» (Orderly Departure Programme (ODP)) در ۳۰ مه ۱۹۷۹، برای نخستین بار امکانات قانونی برای خروج ویتنامیهایی که در وطن آینده ای برایشان وجود نداشت، فراهم شد. با تعویق موقت این برنامه در سال ۱۹۸۶، تعداد مسافران به خارج از ویتنام، ظرف سالهای گذشته بازم به شدت افزایش یافت. فقط در نیمه نخست سال ۱۹۸۹، خروج بیش از ۲۱ هزار مسافر به ثبت رسید. تعداد کل ویتنامی هایی که بر اساس «تنظیم برنامه عزیمت» به خارج سفر کرده اند، بالغ بر ۹۰ هزار نفر می شود. علاوه بر تنظیم برنامه عزیمت در سال ۱۹۸۸ و ۱۹۸۹، در مورد دو برنامه ویژه در سطح دوجانبه، توافق به عمل آمد که بر اساس آنها، امکان سفر به آمریکا برای آمریکایی های آسیایی تبار، زندانیان سابق اردوگاههای بازپروری و نیز بستگان بعدی آنها فراهم شد. بر اساس داده های آمریکا تعداد آمریکایی های آسیایی تبار به حدود ۳۰ هزار نفر و زندانیهای سیاسی (به علاوه بستگانشان) به حدود ۹۰ هزار نفر بالغ می شد.

با وجود بهبود همکاری در مسئله مفقودالاثرها و عزیمت ویتنامی ها به خارج، تا این زمان، حکومت آمریکا از برقراری رابطه دیپلماتیک یا دست کم لغو تحریم اقتصادی امتناع ورزید. پیشنهادها و ابتکارهای متعدد هانوی - نظیر تأسیس اداره ارتباطات، قانون نسبتاً بلند نظرانه سرمایه گذاری خارجی که به نشانی شرکتهای آمریکایی نیز ارسال می شد و حذف

مواضع خصمانه نسبت به آمریکا از مقدمه قانون اساسی - هر چند نظر مردم و کنگره آمریکا را جلب کرد، اما در حکومت این کشور بازتاب مورد انتظار را نداشت. ویتنام بار دیگر به موضوعی بدل شد که توجه فزاینده رسانه‌های آمریکایی را به خود جلب کرد. دیگر فقط دموکراتها نبودند که از برقراری رابطه ای کم تنش تر با ویتنام دفاع می کردند. جمهوریخواهان کنگره آمریکا نیز که علاوه بر آن باید دسته بندی جناح راست را نیز تنظیم می کردند، از چند سال قبل به دیدگاه اعمال سیاستی نسبتاً مفیدتر در مقابل ویتنام پیوسته بودند. البته آنها نتوانستند موافقت اکثریت اعضای کنگره را در این مورد بگیرند. بوش نیز تا سال ۱۹۸۹، هیچ مطلبی را در مورد انحراف از سیاست هم‌تایان قبلی خود در مورد ویتنام اعلام نکرده بود. آمریکا خروج نیروهای ویتنام از کامبوج را که در ۲۷ سپتامبر ۱۹۸۹ اعلام شد، نیز شرطی کافی برای عادی سازی روابط با هانوی ندانست، زیرا این اقدام، تحت کنترل بین المللی انجام نشده بود. بر عکس آمریکا در هانوی نفوذ کسانی که از موضعی نسبتاً انتقادی و تسلیم ناپذیرتر از گذشته نسبت به آمریکا حمایت می کنند، افزایش یافته است.

سیاست کلینتون در ویتنام

ویتنام تا آغاز تجاوز ژاپن [۱۹۴۱ (م.)]، در استراتژی سیاست خارجی آمریکا، عهده دار یک نقش حاشیه ای بود، زیرا این کشور به عنوان بخشی از امپراتوری استعماری فرانسه در حوزه منافع مستقیم آمریکا قرار نداشت. در جریان جنگ جهانی دوم، واشنگتن به اهمیت استراتژیک این کشور بیشتر پی برد، با این وجود، ویتنام باز هم کانون سیاستهای آمریکا در آسیا محسوب نمی شد.^۲ البته پیروزی کمونیست ها در چین و آغاز جنگ کره [۱۹۵۱ (م.)] ظرف یک سال پس از آن، به دگرگونی کامل ارزیابیهای انجام شده در مورد ویتنام انجامید. در این زمان ویتنام برای آمریکا، نقطه عطف و محور تحولات بعدی آسیای جنوب شرقی به شمار می رفت. از نظر آیزنهاور، رییس جمهور وقت آمریکا، ویتنام از مهره های تعیین کننده ای بود که ایفای هر نقشی از سوی آن ناگزیر به عهده داری نقشه‌هایی منطبق، از طرف دیگر کشورهای منطقه می انجامید؛ یعنی، ممکن بود پیروزی کمونیست ها در ویتنام، خودبه خود نفوذ

کمونیست‌ها را در سراسر آسیای جنوب شرقی به همراه آورد. براساس همین نظریه، (Domino Theory) آیزنهاور جمهوریخواه و هواداران دموکرات وی به این نتیجه رسیدند که آمریکا باید با تمام توان در صدد ممانعت از یکپارچگی کشور تحت رهبری کمونیست‌ها برآید. بادیدگاه‌های امروز، مسلم است که در این سیاست، جایگاه ویتنام و نیز توانمندی‌های آمریکا برای شکل دادن به تحولات ویتنام براساس ایده‌های آمریکا بیش از واقع ارزیابی شده است. پیامد این نوع ارزیابی، یأس و ضربه روحی شدیدی بود که از پیروزی کمونیست‌های ویتنام در سال ۱۹۷۵ ناشی شد. ویتنام شکست دردناک تاریخی آمریکا را نیز به این تجربه افزود. آن ویتنامی‌هایی که با آمریکا همکاری کرده بودند، به مدت نامعلوم تحت شرایط غیرانسانی در اردوگاه‌های بازپروری زندانی شدند. هانوی از اعلام هر خبری در مورد سرنوشت سربازان آمریکایی مفقودالثر امتناع می‌ورزید و گاهی نیز به عمد سعی می‌کرد به زور از این کشور امتیازهای سیاسی دریافت کند.

نخستین تلاش‌های حکومت کارتر در سالهای ۷۸-۱۹۷۷ برای عادی سازی مناسبات دوجانبه، ابتدا با درخواست‌های ویتنام به منظور دریافت کمک از آمریکا برای بازسازی کشور به شکست انجامید، سرانجام واشنگتن در اواخر پاییز ۱۹۷۸، وقتی ویتنام به طور نامحدود به اردوگاه شوروی پیوست و با کمک این قدرت بر دو همسایه خود، لائوس و کامبوج استیلا یافت، کاملاً علاقه خود را نسبت به بهبود مناسبات با هانوی از دست داد. آمریکا ضمن اشتراک منافع با جمهوری خلق چین، دولت‌های عضو آسه آن و دولت‌های صنعتی غربگرا، ویتنام را در انزوای سیاسی و اقتصادی قرار داد. به علاوه، آن دسته از نیروهای کامبوجی که بر ضد اشغال ویتنام می‌جنگیدند، حمایت مالی سرشاری از آنها دریافت می‌کردند. در این میان، کاملاً معلوم شد که نیرومندترین قوای این جنبش مقاومت کامبوجی از نیروهای پول پوت* هستند. تنها نکته تعیین کننده، این واقعیت بود که مبارزان چریکی کامبوج، یگان‌های ویتنامی را گرفتار درگیریهایی طولانی فرساینده می‌کردند.

اعطای برخی امتیازات، نظیر سست کردن و یا خاتمه تحریم اقتصادی، آمریکا را به

* Pol Pot: دیکتاتور کامبوج (۱۹۷۹-۱۹۷۸) و رهبر خمرهای سرخ (م.م).

اقدامات پیشگیرانه و حایز اهمیت و یتنام وابسته می ساخت. از جمله این اقدامات پیشگیرانه می توان به عقب نشینی نیروهای ویتنام از کامبوج، اعلام دقیق سرنوشت سربازان مفقودالاثرا آمریکایی، تضمین امکانات قانونی به منظور سفر به خارج برای افرادی که پیش از سال ۱۹۷۵ با آمریکا همدست شده بودند و نیز برای بستگانشان اشاره کرد. تماسها و گفتگوهای رسمی با ویتنام تنها با این هدف صورت می گرفت که در مورد تشریفات این اقدامات پیشگیرانه توافق شود و در مورد مسئله مفقودالاثرا تحقیقات فوری به عمل آید. برای آنان که پس از سال ۱۹۷۵ به عنوان همدست سابق آمریکا موظف به تحمل حضوری مطرود (Pariaexistenz) در وطن خود بودند، اعطای هر امتیازی به هانوی، تایید مجددی بر شکست ایشان محسوب می شد. آنها در وهله نخست سیاست «ناهماهنگ و انعطاف پذیر» آمریکا در مقابل کمونیست های ویتنام را مسئول این امر می دانستند. این گروه که جمعیتشان در مقایسه با دیگر ملیتهای مقیم آمریکا بسیار اندک بود، سعی می کردند با استفاده کامل از روابط خود با نظامیان و سیاستمداران عالیرتبه از طریق فعالیت شدید در چارچوب لابی آمریکا در ویتنام، به وضعیت مهاجران ویتنامی توازن بخشند.

از اواسط دهه ۱۹۸۰، اپوزیسیونی بر ضد سیاست مزبور به وجود آمد که در حال قدرتمندی هر چه بیشتر بود. در محافل اقتصادی آمریکا، در رسانه ها و نیز در کنگره، تعداد آرای موافق با اتخاذ سیاستی نو در مقابل ویتنام بالا رفت. در میان ویتنامی های مقیم آمریکا نیز شمار کسانی که دیگر مایل به ادامه در گیریهای گذشته نبودند، افزایش یافت. در آمریکا هم، نسل جدید ویتنامیها دیگر هیچ خاطره ای از موطن والدینشان نداشتند و یا خاطرات باقیمانده در ذهنشان بسیار کمرنگ بود. البته آنها اغلب به ارتباط با این کشور و دیدار از آن بسیار علاقه مند بودند. آنها خواستند آنچه تاکنون از زبان والدینشان شنیده بودند، با چشم خود ببینند. به علاوه، کم نبودند کسانی که فکر می کردند، چون آنها در خانواده های ویتنامی و مدارس آمریکایی بزرگ شده اند، چه بسا بتوانند ایفاگر یک نقش بینابینی میان دو کشور باشند؛ نقشی که پس از لغو تحریم اقتصادی، به منافع مادی آن نیز می شد امیدوار بود.

در استدلالهای همه گروههایی که طرفدار تنش زدایی از روابط و مناسبات با هانوی

هستند، مهمترین حلقه اتصال، تغییر خط مشی سیاسی، مصوب دسامبر ۱۹۸۶، در ششمین اجلاس عمومی حزب کمونیست ویتنام (KPV) (Kommunistische Partei Vietnam) بود. در آن زمان «نگوین وان لین» (Nguyen Van Linh)، دبیر کل جدید این حزب سیاست «گشایش» و تقویت روابط اقتصادی با کشورهای غیر سوسیالیستی را تبلیغ می کرد. در آن زمان، قانون جدیدی در مورد سرمایه‌های خارجی وضع شد که اساساً شرایط بلندنظرانه تری را نسبت به قانون کاملاً ناموفق سال ۱۹۷۷ در اختیار سرمایه داران خصوصی قرار می داد. پس از بروز نخستین موفقیت‌های «قانون جدید سرمایه» و کشف سرمایه گذاران خارجی ویتنام به عنوان پایگاهی جدید و امیدوار کننده، ناآرامی‌های فزاینده‌ای در حوزه بازرگانی آمریکا گسترش یافت. اتاق بازرگانی آمریکا در هنگ کنگ به سخنگوی این گروه ذینفوذ بدل شد و فوری هشدار داد که سایر کشورها بازار ویتنام را ترک کنند.^۴ این اتاق بازرگانی اعلام کرد که محصولات آمریکایی هنوز هم در ویتنام از شهرت خوبی برخوردارند و زمینه‌های مناسبی نیز برای برقراری تماس با کارخانه داران سابق وجود دارد. این کارخانه داران به دلیل اجرای سیاست اصلاحات اقتصادی در این زمان می‌توانند شغل سابقشان را در ویتنام از سر گیرند. به علاوه، مجتمع‌های نفتی آمریکا مانند «کلتکس» (Caltex) و «اکسون» (Exxon)، از یک امتیاز برخوردارند و می‌توانند به این نکته اشاره کنند که آنها در آغاز دهه ۱۹۷۰ منابع زیرزمینی نفت در سواحل ویتنام را کشف کرده‌اند و نتایج تحقیقات مربوط به این منابع در اختیار آنهاست. البته ارزش همه این مزایا وابسته به این امر است که مثلاً شرکتهای اروپایی و شرکتهایی از حوزه اقیانوس آرام-آسیا تا چه اندازه بازار ویتنام را اشغال کنند و در آن جا برای مصرف محصولات و خدمات خود پایگاه ثابتی به وجود آورند. نماینده اقتصادی آمریکا در ادامه می‌افزاید: نخستین قراردادهای منعقد شده با شرکتهای انگلیسی؛ نظیر «شل» (Shell) و «بریتیش پترولیوم» (British Petroleum) در زمینه اعطای امتیازات نفتی در حوزه دور از ساحل را می‌توان دلیلی دانست بر انواع تحولات مخاطره آمیزی که در این جا آغاز شده است، زیرا مسئله در این جا صرفاً بازار ویتنام نیست، بلکه موضوع توان رقابت اقتصادی آمریکا در سراسر آسیای جنوب شرقی مطرح است.^۵

طرفداران لغو سریع تحریم در کنار دلایل اقتصادی عنوان کردند که ممکن است از سرگیری روابط اقتصادی، مزایای سیاسی نیز در بر داشته باشد، زیرا مسلماً رهبری ویتنام در مسئله مفقودالائرها زمینه بسیار مساعدی برای همکاری از خود نشان خواهد داد و در درازمدت، روابط اقتصادی بهتر نیز موجب تغییر نظام سیاسی خواهد شد. اروپای شرقی نیز مصداق چنین وضعی بود. در آن جا تشدید فعالیت شرکتهای غربی اساساً به فروپاشی نظام اقتصادی برنامه ای (که یکی از مؤلفه های اصلی حکومت در دولت سوسیالیستی است) یاری رساند.^۶

با وجود آن که مخالفان تحریم از گروههای اقتصادی و اجتماعی قدرتمند بودند و دلایل روشنگرانه ای نیز ارایه می دادند، اما تنها با تلاش و زحمت فراوان می توانستند در دستگاه حکومتی، مطلب خود را به سمع مقامات برسانند. در اوت ۱۹۸۷، ژنرال «وسی» (Vessey)، سر فرمانده سابق نیروهای مسلح آمریکا به دستور شخص رییس جمهور، ریگان به هانوی اعزام شد، اما به سرعت امید کسانی که انتظار داشتند طی این دیدار، سیاست آمریکا در قبال ویتنام تغییر یابد، به یأس بدل شد. یکی از نمایندگان وزارت امور خارجه، حتی پیش از عزیمت «وسی» اطمینان داد که حکومت ریگان همچون گذشته بر این نظر است که انزوای سیاسی و اقتصادی، ابزار مؤثری برای وادار ساختن ویتنام به خاتمه اشغال کامبوج است.^۷

با وجود آن که خروج نیروهای ویتنام از کامبوج در سپتامبر ۱۹۸۹ به خودی خود در سیاست آمریکا در مورد ویتنام هیچگونه تغییری ایجاد نکرد، اما حکومت ویتنام در ژانویه ۱۹۹۱ به وزارت دفاع آمریکا اجازه داد تا به منظور تشدید و هماهنگی تحقیقات تکمیلی در مورد مسئله مفقودالائرها در محل، دفتری در هانوی تأسیس کند. پس از این جریان، حکومت بوش آمادگی ارایه یک برنامه سفر معین را برای بهبود احتمالی مناسبات با ویتنام پیدا کرد. در نهم آوریل ۱۹۹۱، «ریچارد سولومان» (Richard Solomon) که در آن زمان رییس مرکز مطالعات خاورمیانه و اقیانوس آرام در وزارت امور خارجه بود، «مجموعه راه کارها»یی (Road Map) را ارایه کرد که در آن، شرایط ضروری برای عادی سازی مناسبات دو جانبه به دقت بررسی شده بود. «سولومان» اطمینان داد، در صورتی که هانوی به هنگام آماده کردن

پیش نویس و نیز تحقق توافقنامه های بین المللی در مورد آینده کامبوج و بخشهای دیگر هانوی در مسئله مفقود الاثرها موضع گیری سودمند و ثمربخشی اتخاذ کند، آمریکا نیز مرحله به مرحله از شدت تحریمهای اقتصادی می کاهد و از سیاست محاصره ویتنام با ارایه منابع مالی از بانک جهانی و صندوق بین المللی پول (IWF (Der Internationale Währungs fond) به ویتنام صرف نظر می کند. اگر کار کردها و «کار کردهای متقابل» به صورت پیش بینی شده انجام گیرند، در پایان این روند می توان به شناخت کامل دیپلماتیک و پذیرش روابط سیاسی و اقتصادی همه جانبه به انضمام اجرای بندهای مشمول امتیاز دست یافت.^۸

البته چگونگی اجرای روند عادی سازی براساس برنامه های «مجموعه راه کار» را باید در عمل مشاهده کرد. با وجود اعلام آمادگی ویتنام برای انجام هر اقدامی تا روشن شدن سرنوشت سربازان مفقود الاثر آمریکایی^۹ (که مورد تأیید ادارات آمریکایی نیز قرار گرفته بود) و با وجود امضای توافقنامه قیمومت سازمان ملل در کامبوج (که در شورای امنیت سازمان ملل مورد مذاکره قرار گرفت) و نیز با وجود خروج همه واحدهای نظامی ویتنام از کامبوج (که از نظر کارشناسان نظامی غرب به طور کامل انجام شد)، حکومت بوش همچنان به تحریم اقتصادی ادامه داد. با این که از نظر نمایندگان حکومت ریگان، روشن شدن کامل سرنوشت همه مفقود الاثرها غیر ممکن است و با وجود اظهارات آنها مبنی بر آن که ۷۸ هزار سرباز آمریکایی در جنگ جهانی دوم - علی رغم تحقیقات عمیق و اعلام آمادگی حکومتهای دوست برای همکاری - بیش از چهل سال پس از پایان جنگ، همچنان مفقود الاثر شناخته می شوند،^{۱۰} بوش زیر فشار واحدهای سیاسی بسیار پر نفوذ قرار گرفته بود. از جمله این واحدها می توان به «اتحادیه ملی خانواده های زندانیان و مفقود الاثرهای آمریکایی در آسیای جنوب شرقی»^{۱۱} اشاره کرد که همچنان ویتنام را به همکاری ضعیف در مسئله مفقود الاثرها متهم می کنند.

حتی برقراری ارتباط مستقیم تلفنی و ارسال نمابر که خواست فوری بیش از ۷۰۰ هزار ویتنامی ساکن آمریکا بود، نیز بر اساس مقررات تحریم، بی نتیجه ماند. پس از اعلام «حرکت تلفن آمریکا» (AT&T) مبنی بر واریز کردن سود حاصل از برقراری این ارتباطات به یک حساب مسدود، در آوریل ۱۹۹۲، به این ویتنامی ها اجازه داده شد تا با ویتنام ارتباط

مستقیم برقرار کنند و از آنها بخواهند که هزینه این ارتباطات و مکالمات را بپردازند.^{۱۲} حق الزحمه بازکردن بایگانی وزارت دفاع ویتنام برای کارشناسان آمریکایی MIA^{۱۳} نیز در آخرین ماه تصدی بوش در سمت ریاست جمهوری، تنها با اعطای این حق پرداخت شد که شرکتهای آمریکایی به طور دائم مجاز به تأسیس نمایندگی، استخدام کارمند محلی، «بررسی امکانات» (Feasibility Studies) و امضای پایان کار در ویتنام باشند و البته گشایش این بایگانی هم تازه پس از لغو تحریم به طور عملی میسر می شد.^{۱۴}

۲- عادی سازی مناسبات دوجانبه

کلینتون در ژانویه ۱۹۹۳، به جانشینی جرج بوش رسید. لغو تحریم ویتنام از نخستین اقدامات اداری بیل کلینتون نبود. این حکومت جدید در نخستین ماههای دشوار پس از قدرت یابی به طور آشکار، هیچ تمایلی به درگیری با اتحادیه های قدرتمند مفقودالامر نداشت. کلینتون متهم می شد که به دلیل اقامت تحصیلی در انگلیس از خدمت سربازی، یعنی مأموریت احتمالی در ویتنام، شانه خالی کرده است. البته این اتهام در مبارزه انتخاباتی ریاست جمهوری تعیین کننده بود. این وضع، مجادلاتی را که کاملاً به فراموشی سپرده شده بود، به کانون مباحثات سیاسی کشاند. در عین حال گروههای مختلف در حاشیه طیف سیاسی فعالیت می کردند.

اما مخالفان اتخاذ سیاست با عادی سازی سریع مناسبات با ویتنام، تنها از جناح راست سیاسی نبودند. در حزب دموکراتیک و در نتیجه در حکومت جدید نیز نیروهای قدرتمندی وجود داشتند که با سیاستی مشورتی و قابل اصلاح در مقابل ویتنام، تنها در صورتی موافق بودند که وضع حقوق بشر در این کشور بهبود اساسی یابد و زندانیان سیاسی نیز آزاد شوند.^{۱۵} کلینتون در ابتدا به منظور اعلام آمادگی برای تنش زدایی (با وجود مخالفان داخلی) ناگزیر بود از شیوه های غیر مستقیم استفاده کند. در این زمینه، صندوق بین المللی پول، جایگاه مهمی برای تبادل نظر محسوب می شد. جمهوری سوسیالیست ویتنام در سال ۱۹۷۶ به عنوان جانشین قانونی ویتنام جنوبی به عضویت صندوق بین المللی پول درآمد و در نتیجه،

مسئول وظایف مربوط به آن گردید. البته در اواسط دهه ۱۹۸۰ که ویتنام نتوانست به موقع از عهده بازپرداخت تعهدات خود برآید، این صندوق (بویژه با پیگیری آمریکا) ادامه پرداختها به ویتنام را متوقف ساخت. آمادگی ویتنام برای سازماندهی سیاست اصلاحات خود براساس دستورات صندوق بین‌المللی پول، به رسمیت شناختن تعهدات مربوط به بازپرداختها و مذاکره در مورد نحوه بازپرداخت که از ژانویه ۱۹۸۷، اعلام شده بود، با وجود آن که در ژانویه ۱۹۹۳ به تأسیس اداره‌ای برای صندوق بین‌المللی پول در هانوی انجامید، اما در سیاست توزیع پول این صندوق هیچ گونه تغییری حاصل نکرد، زیرا آمریکا با داشتن حق وتو، مانع از اجرای تصمیمهای مربوط شده بود. با این وجود به دستور کلینتون رییس‌جمهور آمریکا در ژوئیه ۱۹۹۳، این وتو پس گرفته شد، طوری که همچنان منابع مالی صندوق بین‌المللی پول به ویتنام جریان پیدا کرد. بخشیدن پولهای این صندوق به ویتنام، باز هم دلیل دیگری برای مخالفان تحریم اقتصادی فراهم کرد. حال آنها می‌توانستند بگویند، این جهش اقتصادی که با اعتبارات صندوق بین‌المللی پول در ویتنام رخ داده، می‌تواند به نیرویی برای پیشرفت این کشور تبدیل شود و یا آن که اقتصاد آمریکا با ادامه تحریمها ناگزیر است لطمات جبران‌ناپذیری را تحمل کند. در پایان ژانویه ۱۹۹۴، سرانجام مخالفان، موفق به تقدیم قطعنامه‌ای به سنا شدند. در این قطعنامه، از کلینتون لغو تحریمها خواسته شده بود. در سوم فوریه ۱۹۹۴، کلینتون بیش از یک سال پس از قدرت‌یابی، این درخواست را اجابت کرد. تحریمی که در مه ۱۹۶۴ بر ضد ویتنام (در زمان جمهوری دموکراتیک ویتنام) تحمیل شده بود و پس از پیروزی کمونیست‌ها در سال ۱۹۷۵، سراسر ویتنام را در بر گرفته بود، حال جزئی از تاریخ بود. در این زمان، شرکتهای آمریکایی می‌توانستند بدون بیم از مجازات، طی برقراری رابطه بازرگانی با ویتنام در این کشور سرمایه‌گذاری کنند. کلینتون علاوه بر لغو تحریم، موضوع تقویت حضور سیاسی در هانوی را نیز اعلام کرد. نمایندگی وزارت دفاع که از سال ۱۹۹۱ تأسیس و سرانجام درگیر مسئله مفقودالاثرها شده بود، حال باید به اداره وابسته‌ای تبدیل می‌شد که با وظایف کنسولی و دیگر وظایف یک نمایندگی دیپلماتیک آشناست.^{۱۶}

تأسیس چنین اداره و وابسته ای در آغاز سال ۱۹۹۵ تحقق یافت. کارکنان این اداره از یک موقعیت دیپلماتیک و پس از دستگیری، از یک حق ملاقات ۹۶ ساعته با شهروندان آمریکایی، به علاوه دریافت کمکهای کنسولی برخوردار شدند.^{۱۷}

البته در طول سال ۱۹۹۵ با وضوح بیشتری معلوم شد که هنوز هم باید در سطح سیاسی حرکت‌هایی در واشنگتن انجام شود. از آغاز دهه ۱۹۹۰، ویتنام توانسته بود به موفقیت‌های مهمی در حوزه سیاست خارجی دست یابد. اگر ویتنام در اواسط دهه ۱۹۸۰ با حدود ۵۰ دولت، رابطه دیپلماتیک داشت، حال تعداد این کشورها به بیش از ۱۴۰ مورد افزایش یافته بود. این کشور با اتحادیه اروپا نیز در مورد امضای چندین «توافقنامه همکاری» موافقت کرده بود و علاوه بر صلح با همسایگان خود در آسیای جنوب شرقی تفاهمنامه «صلح و دوستی» را نیز با آنان به امضا رساند. این تفاهمنامه در سال ۱۹۷۶، توافقنامه بنیادی اتحادیه دولتهای جنوب شرقی آسیا، آسه آن محسوب می شد. پذیرش ویتنام به عنوان عضو دائم آسه آن برای تابستان ۱۹۹۵ منظور شده بود.

به این ترتیب، آمریکا از معدود دولتهایی بود که هنوز رابطه دیپلماتیک همه جانبه ای با ویتنام نداشت. در ۱۲ ژوئیه ۱۹۹۵ - چند هفته پیش از به عضویت درآمدن ویتنام در آسه آن و پس از مذاکرات عمیق در مورد مسایل جزئی - سرانجام کلینتون، در گیر نخستین اقدام و اعلام برقراری ارتباط دیپلماتیک با جمهوری سوسیالیست ویتنام شد؛ اقدامی که دیگر موعد آن سرآمده بود. البته در این مورد نیز کلینتون تلاش بسیاری از خود نشان داد، اما نه آن قدر که در گذشته مصیبت باری که تداوم سیاست آمریکا در ویتنام محسوب می شد، روزنه ای ایجاد کند. هدف این سیاست، شامل همان اهداف سابق بود. به این ترتیب، کلینتون این اقدام را با عبارات زیر توجیه کرد:^{۱۸}

«من کاملاً باور می کنم که حضور تعیین کننده ویتنام در جبهه خارجی اصلاحات اقتصادی و

دموکراتیک، موجب افتخار مبارزانی خواهد شد که برای نجات آزادی در ویتنام جنگیدند.»^{۱۹}

چند هفته پس از برقراری رابطه دیپلماتیک با وجود سفر «وارن کریستوفر» وزیر امور خارجه آمریکا به هانوی به منظور افتتاح سفارت آمریکا در ششم اوت، هنوز زمان

درازی لازم بود تا سفیران دو کشور به سمت خود منصوب شوند. از طرف ویتنام، «له مای» (Le Mai) برای تصدی این سمت در نظر گرفته شد. وی تا این زمان، معاون وزیر خارجه بود و یکی از دانشمندترین آمریکاشناسان وزارت خارجه ویتنام محسوب می شد. این جمله معروف وی که آمریکا باید یاد بگیرد که ویتنام را یک کشور بداند، نه یک جنگ،^{۲۰} نشان داد که وی علاوه بر مسایل سیاسی و اقتصادی، به بهترین نحو با مسایل دشوار روانشناسی در این رابطه نیز آشناست و از نظر روانی هم قادر است خود را در موقعیت طرفهای مذاکره اش قرار دهد. جای خالی «له مای» در ژوئن ۱۹۹۶، پیش از انتصاب رسمی اش به سمت سفیر ویتنام (در آمریکا به دلیل مرگ ناگهانی) را به زحمت می شد پر کرد، زیرا هیچ ویتنامی دیگری از صلاحیت، اعتبار و آوازه ای که وی در آمریکا داشت، برخوردار نبود.

برای مدتها در آمریکا معلوم نبود چه کسی سفیر این کشور در ویتنام خواهد شد. بسیاری از اعضای کنگره که برای صلح با ویتنام، فعالانه اقدام کرده بودند، چشم به تصدی این سمت دوخته بودند. در مه ۱۹۹۶، «داگلاس پت پترسن» (Douglas Pete Peterson)، از جانب کلینتون برای این سفارت انتخاب شد. وی بیش از شش سال در هانوی به سر برده بود. پترسن در تابستان ۱۹۶۶، طی عملیاتی در نزدیکی شهر بندری «های فونگ» (Haiphong) به عنوان خلبان بمب افکن مجروح شد و با چتر نجات از بمب افکن بیرون پرید و نجات یافت. او ادامه حبس خود را در زندان «هوآلو» (Hoa Lu) در هانوی گذراند. حبس وی تا پایان موعد توافقنامه صلح پاریس در فوریه ۱۹۷۳ و تبادل زندانیان جنگی (بند مشمول توافقنامه) ادامه داشت.

صرف نظر از این تجارب هولناک، پترسن در کنگره به شدت مدافع مصالحه با ویتنام بود. از این رو نیز او انتصابش در هانوی را به هیچ وجه توهین به خود تلقی نکرد، اما هانوی این اقدام را دلیل آشکاری بر این امر می دانست که رهبران جنگ در ویتنام، اکنون حاضرند فصل جدیدی را در مناسبات دو کشور بگشایند. انتصاب «داگلاس پترسن» در واشنگتن اساساً با مقاومت بیشتری روبه رو شد. اما این مقاومت، چندان به شخص پترسن مربوط نبود، بلکه بیشتر به مسئله بهبود روابط با ویتنام باز می گشت. سفیران آمریکا باید مورد تأیید کنگره قرار

می‌گرفتند و ارایه این تأییدیه با استماع نطق‌هایی در همین زمینه همراه بود. به این ترتیب، برای مخالفان سیاست کلینتون در ویتنام زمینه بسیار مناسبی فراهم شد تا اعزام پترسن به ویتنام را هر چه بیشتر به تعویق اندازند. در حین استماع نطق‌ها، پترسن پس از تکرار و تأکید شدید بر یافتن راه حلی برای روشنتر کردن سرنوشت مفقودالائرها و بهبود امکانات سفر برای همکاران سابق آمریکا و خانواده‌هایشان^{۲۱} در ویتنام، سرانجام در ۱۱ آوریل ۱۹۹۷، قریب به یک سال پس از انتصاب، تأییدیه لازم را از کنگره دریافت کرد. «لی وان بانگ» (Le Van Bang) که تا این زمان، نماینده ویتنام در سازمان ملل بود، در نقطه مقابل وی قرار داشت. وی به سمت سفیری هانوی در واشنگتن منصوب شد.

آغاز به کار پترسن در ابتدای ژوئن ۱۹۹۷، چند هفته پس از دیدار مادلین آلبرایت، وزیر خارجه جدید آمریکا از هانوی انجام گرفت. آلبرایت یادداشت تفاهمی برای حمایت متقابل از «حق انحصاری انتشار آثار رسانه‌ای» و مبارزه مشترک با قاچاق موارد مخدر به امضاء رساند.^{۲۲} تلاش وی در دومین مرحله از سفر خود به شهر «هوشی مینه» (Ho-Chi-Minh) (سایگون سابق)، آگاهانه مقابله مستقیم با آن گذشته اسفبار بود. مادلین آلبرایت همچنین در محل سابق سفارت آمریکا که در آوریل ۱۹۷۵، آخرین آمریکایی‌ها را با پوشش تلویزیون بین‌المللی به وسیله چرخبال از بام آن جا خارج کرده بودند، کلنگ ساختمان جدید سرکنسولگری آمریکا در سایگون را بر زمین زد.^{۲۳} در مقابل، به ویتنام اجازه داده شد تا این دولت نیز در سان فرانسیسکو یک سرکنسولگری افتتاح کند، زیرا ویتنامی‌های ساکن آمریکا اغلب در ایالت کالیفرنیا بودند. به این ترتیب، در تابستان سال ۱۹۹۷، همه شرایط مهم سیاسی و حقوقی بین‌المللی برای همکاری شدیدتر میان دو کشور فراهم شده بود.

۳- توسعه روابط اقتصادی

تحریم اقتصادی آمریکا زمانی لغو شد که ویتنام یک جهش اقتصادی را پشت سر می‌گذاشت. ویتنام در تضاد آشکار با تمامی دولتهای عضو اتحاد شوروی پس از فروپاشی «نظام جهانی سوسیالیسم»، نه تنها با هیچ‌گونه سقوط اقتصادی روبه‌رو نشد، بلکه در جریان

یک جهش پر تلاطم اقتصادی قرار گرفت. میزان رشد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۹۱ بالغ بر ۸ درصد بود. این رشد در مورد بازرگانی خارجی و در تولید صنعتی سال ۱۹۹۴، به ترتیب به ۲۰ و ۱۵ درصد افزایش یافت. ظرف شش سال پس از صدر «قانون جدید سرمایه گذاری خارجی»، در مورد پروژه های سرمایه گذاری به ارزش بیش از ۱۶ میلیارد دلار توافق به عمل آمد.^{۲۴} ویتنام به عنوان «یکی از پویاترین و پرهیجانترین کشورهای در حال توسعه»^{۲۵} مورد توجه قرار گرفت. این کشور به دلیل پایین بودن سطح دستمزدها و نیز داشتن مردمی آماده کار و یادگیری از فرصتهای فوق العاده مناسبی برخوردار است تا به «بیر» جدید آسیا تبدیل شود.

بر این اساس، تعجبی ندارد که آمریکا نیز همچون ویتنام، انتظارات بسیار بالایی از روابط اقتصادی میان دو کشور داشته باشد. ظرف چند ماه در ویتنام بیش از ۱۰۰ شرکت آمریکایی در صدد تأسیس نمایندگی برآمدند و پس از نخستین ارزیابی از بازار ویتنام، برخی از کارشناسان اقتصادی بر این نظر بودند که در چهار سال بعد می توان به ارزش ۱۰ میلیارد دلار، کالای آمریکایی روانه این کشور کرد.^{۲۶} برعکس آمریکا، اکثر ویتنامی ها بر این نظر بودند که لغو تحریم، موجب بروز جهشی کمی و کیفی در توسعه اقتصادی کشور خواهد شد. بسیاری از پروژه های کلانی که تا این زمان به دلیل نبود سرمایه و دانش فنی (Know-How) لازم به مرحله اجرا در نیامده بودند، حال با کمک شرکتهای و مؤسسات مالی آمریکا امکان تحقق می یافتند. مسلماً حضور تعیین کننده آمریکا در عرصه اقتصاد، سرمایه گذارانی از دیگر دولتهای صنعتی را به حضور گسترده در ویتنام تشویق می کرد.

با وجود شور و نشاط اولیه، به نظر می رسد که یک نکته فراموش شده است. علی رغم ایجاد شرایط تغییر ناپذیر، به دلیل لغو تحریم و یک سال بعد نیز برقراری روابط دیپلماتیک، گفتنی است که این شرایط به هیچ وجه برای شکوفایی اقتصادی کافی نبود، زیرا برای کار تجاری با ویتنام ممکن بود خدمات «موسسه سرمایه گذاری خصوصی ماورای دریا» (Overseas Private Investment Corporation (OPIC)) «که مشابه بیمه هرمس آلمان، (Hermes) بازرگانی خارجی را در موارد احتمال بروز ضرر بیمه می کند.» و نیز امکانات مالی

بانک «اکسیم بانک» [Export Import Bank (Exim bank)] و «سازمان توسعه تجاری» [Trade Development Agency (TDA)] در اختیار حکومت این کشور قرار نگیرد، زیرا دو شرط ضروری برای دریافت این خدمات هنوز تأمین نشده بود. نخست آن که در مورد بازپرداختها و نیز وامهای معوقه هیچ توافقنامه‌ای منعقد نشده بود و دوم این که، لازم بود موانع حقوقی «اصلاحیه جکسون-وانیک» (Jackson-Vanik Amendment) که در سال ۱۹۷۴ صادر شده بود، از میان برداشته شود. در مورد نخست، اعتباراتی که حکومت سابق سایگون از آمریکا دریافت کرده بود، هنوز تأدیه نشده بودند. ادعای آمریکا مبنی بر عهده گرفتن تعهدات حکومت سابق سایگون توسط جمهوری سوسیالیست ویتنام به عنوان جانشین قانونی آن، ابتدا برای هانوی به صورت یک مبارزه طلبی جلوه کرد که به زحمت پذیرفتنی بود. لازم بود بار دیگر مذاکرات طولانی و دشواری انجام شود، رییس آمریکایی مذاکرات، همتای ویتنامی خود را متقاعد سازد که موضوع تأدیه عینی اعتبارات، خیلی هم در این جا مطرح نیست و موضوع مهم، به رسمیت شناختن یک اصل حایز اهمیت است؛ یعنی کارکردهای «موسسه سرمایه گذاری خصوصی ماورای دریا»، بانک «اکسیم بانک» و «سازمان توسعه صنعتی» را تنها در صورتی می توان دریافت کرد که اعتبارات معوقه و سودهای حاصل از آنها به عنوان وام شناخته شوند و در مورد نحوه بازپرداخت آنها توافق به عمل آید. سرانجام، این مذاکرات در هفتم آوریل ۱۹۹۷ با موفقیت به نتیجه رسید. ویتنام، وامهایی به میزان ۱۴۵ میلیون دلار را به رسمیت شناخت و متعهد به پرداخت ۸٫۵ میلیون دلار از آنها ظرف ۳۰ روز بعد شد. در مقابل، آمریکا نیز به منظور پرداخت مبلغ باقیمانده برای ویتنام یک موعده ۲۲ ساله قایل شد.^{۲۷} هانوی در پایان سال به منظور جلب اعتماد بیشتر بانکهای خصوصی در مورد بازپرداخت اعتباراتی که توسط جمهوری سوسیالیست ویتنام دریافت شده و به موقع تأدیه نشده بودند،^{۲۸} با بانکهای اروپایی و ژاپنی نیز به طور مشابه به توافق رسید.

هنوز لازم بود که مقررات «اصلاحیه جکسون-وانیک» با قوانین وامهای گذشته مطابقت پیدا کند. مقررات قانون تجاری (Trade ACT, Section 402) مصوب سال ۱۹۷۴ از جمله در نظر گرفته است که آمریکا هیچ گونه اعتبار یا اقدامات تضمین کننده‌ای را به کشوری

که فاقد نظام اقتصاد بازار است، ارایه ندهد، مگر این که آن کشور حقی را به منظور سفر به خارج برای شهروندان خود در نظر بگیرد. البته رییس جمهور می تواند این مقررات را لغو کند، حتی اگر این موارد از نظر او با نیات اصلی مقررات مطابقت نداشته باشد. مسلماً لغو مقررات به این شکل، باید سالانه تجدید شود.

با آن که چنین اقدامی صرفاً در حیطة قدرت تصمیم گیری رییس جمهور می گنجد، طبیعی است که ابتدا باید لزوماً به تأیید کنگره برسد. پس از اعلام لغو «اصلاحیه جکسون-وانیک» در دسامبر ۱۹۹۷، در چارچوب شرایط مزبور، کلینتون این اصلاحیه را در ۱۰ مارس ۱۹۹۸ عملاً لغو کرد. در سوم ژوئیه، کلینتون لغو این اصلاحیه را که تا دوم ژوئیه ۱۹۹۹ همچنان از اعتبار برخوردار بود،^{۲۹} مورد تأکید قرار داد. بیش از چهار سال پس از لغو تحریم، حال، شرکتهای آمریکایی می توانستند نظر «موسسه سرمایه گذاری خصوصی ماورای دریا» و بانک «اکسیم بانک» را برای بازرگانی با ویتنام جلب کنند.

البته ویتنام همچون گذشته از محدود کشورهای^{*} است که آمریکا از اجرای «اصل دول کامله الوداد» ("MIFU-Status" Most Favoured Nation Status) در مورد آن امتناع می کند.^{۳۰} از این رو صادرات ویتنام به میزان ۴۰ تا ۸۰ درصد تحت پوشش عوارض گمرکی واردات قرار می گیرد.^{۳۱} تضمین «اصل دول کامله الوداد» باز هم وابسته به انعقاد یک توافقنامه تجاری دو جانبه است، در حالی که از نظر آمریکا علاوه بر جزئیات فنی، لازم است برای همه مسایل سیاسی در روابط اقتصادی متقابل، مقرراتی تعیین شود. در این جا به ذکر نکات مورد نظر آمریکا می پردازیم:

- امنیت حقوقی و شفافیت روند تصمیم گیری دولت.
- توجه به حقوق عقلانی مالکیت.
- روند قضایی الزام آور با تعریف روشن برای موارد اختلاف.
- امکانات مناسب به منظور دسترسی به بازار ویتنام در زمینه های مالی و مخابرات.

* علاوه بر ویتنام، فقط کشورهای افغانستان، کوبا، لائوس، کره شمالی و صربستان در این مجموعه قرار دارند.

در بهار ۱۹۹۷، آمریکا با کار بر روی جزئیات طرح این توافقنامه، آن را در آوریل همان سال برای ویتنامی ها تشریح کرد.^{۳۲} با پیگیری گزارش نهم مه^{۳۳} «سازمان رسمی اطلاعات و امنیت ویتنام» (Die Offizielle Vietnamesische Nachrichtenagentur (VNA)) مشاهده می شود که نخستین بازتاب هانوی در این مورد، کاملاً مثبت بوده است. طبق این گزارش، نکاتی را که هنوز هم مورد بحث و مجادله هستند، به سرعت می توان روشن ساخت. از این رو پیش بینی شده است که طی دیدار مادلین آلبرایت، وزیر امور خارجه آمریکا در اوت ۱۹۹۷، توافقنامه ای به امضا برسد، اما به هنگام دیدار خانم آلبرایت با وجود امضای یادداشت تفاهمی در مورد حمایت از «قانون حق انحصاری انتشار آثار رسانه ای» (کپی رایت) هیچ توافقنامه ای برای تقویت بازرگانی به امضا نرسید. در عوض از هانوی و واشنگتن، اظهاراتی به گوش می رسید مبنی بر آن که در این زمان، تشکیل جلسات مذاکره برای تهیه یک توافقنامه بازرگانی، بسیار دشوارتر از اوایل کار است و همچنین، مواضع دو طرف بویژه در مسئله دسترسی مناسب به بازار - بازهم از یکدیگر فاصله خواهد گرفت.^{۳۴}

در آوریل ۱۹۹۸، کمی پس از لغو «اصلاحیه جکسون - وانیک»، هانوی در قالب طرح یادداشت تفاهمی که موضوع دور های بعدی مذاکرات محسوب می شد، دیدگاه خود را ارایه کرد. این مذاکرات، بدون یک موفقیت چشمگیر جریان داشت. پس از دور ششم مذاکرات و مجموعه ای از گفتگوهای عالی که با ریاست «نگوین مان کام» Nguyen Manh Cam پس از بازگشت به هانوی انجام داد، موانعی را که باید از میان برداشته شود، عنوان کرد. وی گفت: «با وجود حصول برخی پیشرفتهای در این زمینه، هنوز در مورد بسیاری از مسایل مهم دیدگاههای متفاوتی وجود دارد و پیش از روشن شدن آنها نمی توان در مورد یک توافقنامه تجاری صحبت کرد.» او افزود: «علاوه بر این، هیچ مفهومی ندارد که ما خواستههای بسیار کلانی را در این توافقنامه بگنجانیم که بعد ها ویتنام نتواند از عهده تحقق آنها برآید.^(۳۶) طرفهای آمریکایی در این مذاکره با احتیاطی توأم با بدبینی معتقد بودند که به هر حال، سال ۲۰۰۱ برای انعقاد این توافقنامه تعیین شده است.^{۳۷}

هرگاه به تحولات بازرگانی دوجانبه و سرمایه گذاری آمریکا در ویتنام توجه کنیم،

تسهیلات تجاری و اقدامات حمایتی مورد نظر در توافقنامه های دولتی سال ۱۹۹۶ به بعد مشخص می شود. (جدول ۱)

همان طور که در جدول مشاهده می شود، در نخستین سال پس از لغو تحریم، سطح بازرگانی دو جانبه به وضوح افزایش یافت. البته در سال ۱۹۹۶ نیز که تا آن زمان بهترین سال در روابط بازرگانی آمریکا-ویتنام و اتحادیه اروپا (که در این سال بر ۱,۷ میلیارد دلار بالغ می شد)^{۳۸} بود و در سال بعد نیز (براساس داده های ویتنام) به کمتر از سه میلیارد دلار افزایش یافت.^{۳۹} به علاوه از سال ۱۹۹۶، علاوه برافت آشکار صادرات آمریکا، بیلان تجاری مثبت این کشور تا سال ۱۹۹۶، برای سالهای ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸، نمایانگر کاهشی بارشد فزاینده است. منتقدان سیاست کلینتون در ویتنام مکرراً هشدار می دادند^{۴۰} که اگر ویتنام سقوط کند، سطح بازرگانی این کشور با آمریکا و چین کاهش می یابد و این وضع برای هر دو کشور زیان آور است. حال این بیمها با وجود آن که سطح بازرگانی با ویتنام به طور طبیعی بسیار کمتر از حجم بازرگانی آمریکا-چین است، برای نخستین بار مورد تأیید قرار گرفته است. هانوی با توجه به وخامت شدید و بیلان پرداختها سال ۱۹۹۸، به شدت از سطح واردات کاسته است، از این رو در آینده قابل پیش بینی نیز هیچ بهبودی به نفع آمریکا در اوضاع موجود حاصل نخواهد شد. (جدول ۲)

این جدول ثابت می کند که در مورد انجام سرمایه گذاری نیز نمی توان انتظارات بسیار بالا را برآورده کرد. حجم سرمایه گذاریهای آمریکا در مقایسه با مهمترین طرفهای سرمایه گذار در ویتنام بسیار اندک بود. سهم سرمایه گذاران آمریکا به میزان زیر سقف ۳۰ میلیارد دلار که تا این زمان ویتنام توسط سرمایه گذاران خارجی با آن موافقت کرده بود، بسیار پایین است و با قدرت اقتصادی آمریکا هیچ تناسبی ندارد. آمریکا در سال ۱۹۹۶، هنوز چهارمین سرمایه گذار خارجی در ویتنام محسوب می شد، اما در این میان به جایگاه ۱۲ نزول کرده است.^{۴۲} هانوی در اواخر سال ۱۹۹۶، کل سرمایه گذاری آمریکا در ویتنام را ۱,۲ میلیارد اعلام کرد^{۴۳} و تا پایان سال ۱۹۹۸ نیز دیگر رقم بالاتری در این مورد اعلام نشد.^{۴۴} با وجود آن که دستکم در سال ۱۹۹۷، به هر حال براساس داده های ویتنام، ۲۷۷ میلیون دلار دیگر به حجم سرمایه گذاریهای

این کشور افزوده شده بود. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که یک مجموعه از توافقه‌های سابق در زمینه سرمایه‌گذاری عملی نشده‌اند؛ طوری که از سال ۱۹۹۶، انجام توافقه‌های جدید برای سرمایه‌گذاری نیز به هیچ‌گونه افزایشی در حجم کلی سرمایه‌گذاریهای آمریکا نینجامیده است.^{۴۵}

در عوض از سال ۱۹۹۷، جو حاکم به طور مشخص متحول شد. ویتنام که تا سال ۱۹۹۶، از انتظارات عالی که دنیای بازرگانی بین‌الملل در این کشور به وجود آورده بود، سود می‌برد، از سال ۱۹۹۷، قربانی انتظارات یأس‌آلودی شد که به بروز زنجیره‌ای از بازتابهای منفی منجر گردید. بازرگانان آمریکا در مورد کاغذبازیهایی بازدارنده، تغییرات مبهم و ناگهانی در مقررات حقوقی و مالیاتی که به آن تن داده بودند و نیز از عدم وفاداری بازرگانان ویتنامی نظیر توافقنامه حمایت از «قانون حق انحصاری چاپ آثار رسانه‌ای» (کپی‌رایت) نیز که پس از مذاکرات دشوار و طولانی به امضا رسیده بود،^{۴۶} سرانجام به اجرا درنیامد.^{۴۷} شرکتهایی نظیر «کرایسلر» (Chrysler) که در مورد انعقاد «توافقنامه - پروژه اشتراکی» (Joint - Venture - Vereinbarungen) با حداکثر سه تولیدکننده خودرو با آنها توافق شده بود، سرانجام ناگزیر به این نتیجه رسیدند که باید بازار خودرو بسیار محدود ویتنام را با ۱۳ رقیب تقسیم کنند.^{۴۸}

اقتصاد ویتنام به میزان فزاینده‌ای از بحران مالی اقتصادی آسیا متأثر شد، در نتیجه، لازم بود بیشتر پیش‌بینیهای سابق در مورد رشد اقتصادی آن کشور با ارقام پایینتر تصحیح شوند. بنابراین، یک مسئله درد سر آفرین نیز به مشکلات خودساخته ویتنامی‌ها افزوده شد. در مه ۱۹۹۸، هنوز ویتنامی‌ها معتقد بودند که به هر حال ۱۰ درصد سرمایه‌گذاران آمریکایی در ویتنام کسب سود خواهند کرد، اما در اواخر همان سال در محافل دیپلماتیک هانوی اظهار شد که تاکنون هیچ شرکت آمریکایی از فعالیت تجاری خود در ویتنام موفق به ثبت سود نشده است.^{۴۹} کم نبودند شرکتهایی که با توجه به وضع موجود، از حضور فعال در ویتنام چشمپوشی کردند و یا دستکم کار خود را به حضوری به شدت کم‌رنگ محدود ساختند. با توجه به عمق این جو پایدار که از مدتها قبل حاکم شده بود، سیاستمداران دو طرف

سعی کردند یک نگرش توأم با خوشبینی را ترویج کنند. از این رو نمایندگان دولت ویتنام و آمریکا پس از دور هفتم مذاکرات توافقنامه بازرگانی دوجانبه که در اواسط مارس ۱۹۹۹ در هانوی برگزار شد، از «پیشرفتهای عظیمی» سخن گفتند که زمینه را برای امضای توافقنامه در اواخر سال فراهم می ساخت.^{۵۰} به گفته «پترسن» سفیر آمریکا، برخورد مطلوب برای شرکتهای آمریکایی، حضوری دوباره در ویتنام است؛ البته در گفتگوهای غیررسمی، مذاکره کنندگان آمریکایی اساساً خوش بینی بسیار ضعیفی از خود نشان دادند. به گفته نمایندگان ویتنام، این کشور، همچون گذشته، اجازه هیچ گونه سرمایه گذاری را در حوزه های مهم، آینده ساز و بسیار حساس اقتصادی، مثل رسانه های الکترونیکی و مخابرات، نخواهد داد.^{۵۱} همچنین در مورد حقوق گمرکی واردات کالاهای آمریکایی، صدور هیچ نوع مجوز اساسی را مد نظر قرار ندارد. برعکس، به منظور ممانعت از استمرار کاهش منفی تجارت خارجی که به شدت اوج گرفته است، ویتنام از اول ژانویه ۱۹۹۹، حکم افزایش پنجاه درصدی حقوق گمرکی واردات را صادر کرده است.^{۵۲} برای اقتصاد آمریکا، انعقاد یک توافقنامه تجاری دوجانبه به منظور محدود کردن حیطه عمل موانع بازرگانی و یا کاهش آنها مقبولتر است، حتی اگر بازده آن چندان محتمل به نظر نرسد، زیرا حتی اگر قرار باشد چنین توافقنامه ای پیش از پایان سال، امضا شود، مسلماً باید به تأیید کنگره آمریکا برسد و کسب چنین تأییدی در سال ۲۰۰۰ که سال انتخابات ریاست جمهوری نیز هست، به سادگی میسر نخواهد شد. با توجه به توسعه روابط اقتصادی که تا این زمان بسیار ناقص بوده است، روابط دوجانبه از یک بنیاد مستحکم در منافع اقتصادی مشترک، بی بهره است. چنین بنیادی باید برای روابط سیاسی، نیروی محرکه جدیدی باشد و بتواند در این دوران پر تلاطم سیاسی، کارکرد مهم ایجاد ثبات را محقق سازد.

۴- همکاری سیاسی - امنیتی و نظامی

هفت سال پس از پایان جنگ ویتنام، نخستین تماسها میان جمهوری سوسیالیست ویتنام و آمریکا در سطح نظامی برقرار شده بود. در سال ۱۹۸۲ که تاعادی سازی روابط دوجانبه هنوز راه درازی مانده بود، «آرمیتاژ» (R. Armitage) در هانوی به ریاست بخش وزارت

دفاع آمریکا منصوب شد و مورد استقبال قرار گرفت. اما هدف هیئت «آرمیتاژ» - یعنی تشدید تحقیقات در زمینه سرنوشت سربازان مفقود الاثر آمریکایی - در دامنه بسیار محدود تعریف شده بود. به این منظور، تماسهایی با سازمانهای خدماتی مرتبط در ارتش ویتنام برقرار شد و سرانجام کارشناسان ویتنام با جدیدترین فنون آمریکایی در مورد توضیح علت سقوط هواپیما و تشخیص هویت مفقود الاثرها آشنا شدند.

با توجه به اختلافات فراوان سیاسی میان دو دولت، نخستین تماسها میان نیروی های مسلح دو کشور بار دیگر قطع شد. در سال ۱۹۸۷، ریگان با تلاشهای مجدد خود، پیشرفتهای گسترده تری در مسئله مفقود الاثرها حاصل کرد و ژنرال «وسی»، رییس سابق ستاد مشترک ارتش را به عنوان سفیر شخصی خود به هانوی اعزام کرد. هیئت «وسی» با صدور یک اعلامیه مشترک تشکیل شد. در این اعلامیه، دو طرف متعهد شدند که جداگانه روی مسایل سیاسی و بشر دوستانه کار کنند. موضوع کار، علاوه بر توجه به مسایل بشردوستانه دو طرف، انجام اقداماتی تسلی بخش در این زمینه را نیز در بر می گرفت.^{۵۳} در آن زمان، اهداف گسترده تری که بتوان از آنها برای انجام همکاری نزدیکتر سیاسی یا نظامی استفاده کرد، در حوزه منافع واشنگتن قرار نداشت.

عادی سازی روابط سیاسی و یکپارچگی کامل ویتنام در آسه آن که در بالا شرح کلی آن رفت، پیش شرطهایی هستند که با آنها می توان امکان هماهنگی و شاید حتی همکاری در مسایل سیاسی امنیتی را بادقت بیشتری آزمود. در گزارش آوریل ۱۹۹۵، «اداره کل حسابداری» (General Accounting Office) به «کمیتة فرعی آسیا و اقیانوس آرام» (Subcommittee on Asia and the Pacific)، برای نخستین بار آشکارا معلوم شد که در مورد این مسئله منافع مشترکی برای آمریکا و ویتنام وجود دارد.^{۵۴} این نظرها بازتاب بسیار مثبتی در میان برخی از سران ویتنام داشتند. «ووان کیت» (Vo Van Kiet)، نخست وزیر سابق، چند هفته قبل در چندین نامه داخلی به منظور برخورد بهتر با فشار فزاینده جمهوری سوسیالیست چین، از همکاری شدیدتر با آمریکا دفاع می کرد.^{۵۵} این نظریه البته در میان سران دموکرات ویتنام با مقاومت شدیدی روبه رو شد.^{۵۶} آنها مدافع ارتباط منافع با پکن بودند.

در بهار ۱۹۹۶، آزمایش پرتاب موشک در دالان تایوان، در حالی که جمهوری خلق چین به انتخابات ریاست جمهوری تایوان فشار می آورد، آشکارا علاوه بر ایجاد نگرانی در واشنگتن، این دولت را به اتخاذ تدابیر شدیدتری در مورد انتخاباتهای استراتژیک در آسیای جنوب شرقی واداشت. به همین دلیل، در پاییز همان سال «بادر» (J. bader)، رییس بخش آسیا - اقیانوس آرام در وزارت خارجه آمریکا و «کمپل» (K. Campbell)، همکار نزدیک وزیر دفاع آمریکا به هانوی سفر کردند تا در آن جا ضمن تشریح جزئیات برداشتهای سیاست امنیتی آمریکا، دقیقاً به بررسی منافع مشترک این کشور و ویتنام در این منطقه بپردازند.^{۵۷}

همان طور که «بادر» طی صحبت کوتاهی که در سال بعد در کنگره آمریکا انجام داد، در این مورد، علاوه بر مسئله رابطه با جمهوری خلق چین، سیاست آمریکا در مقابل کامبوج و همچنین آزادی راههای کشتیرانی در دریای چین جنوبی و تلاشهای مشترک برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و معاملات سیاه اسکناس (دلار) نیز بررسی شدند. در همه این مسایل، آشکارا به نظر می رسد که تعداد نه چندان معدودی از توافقه مطرح شده اند، زیرا وقتی در بهار ۱۹۹۷، جابه جایی سکوی حفاری (نفت) چین در منطقه ساحلی مورد ادعای ویتنام به درگیری مشترکی میان پکن و هانوی منجر شد،^{۵۸} «آدمیرال پروهیر» (Admiral J. Prueher) که در آن زمان، فرمانده ناوگان آمریکا در اقیانوس آرام بود، رسماً از ویتنام دیدار کرد. وی به خبرنگار «گزارش اقتصادی خاور دور» (Far Eastern Economic Review) طی توضیحاتی گفت که: از جمله موضوعات مورد نظر در دیدار وی، بررسی یک «رابطه نظامی نوپا» است.^{۵۹} گام دیگر در این جهت، اعزام متقابل وابسته نظامی در تابستان ۱۹۹۷ بود. این اقدام، برقراری تماسهای مداوم کاری در سطح متوسط و در نتیجه، ایجاد یک مبنای کاری قابل اعتماد را تسهیل کرد.

در پاییز ۱۹۹۸، دیدار با «کوهن» وزیر دفاع آمریکا و «برگر»، مشاور امنیت ملی از برنامه های قطعی در سفر «نگوین مان کام» (Nguyen Manh Cam)، معاون نخست وزیر ویتنام به آمریکا بود. «نگوین مان کام» طی گفتگو با کوهن، وزیر دفاع آمریکا با اختلاف آشکار نسبت به موضع گیری پکن که حاضر بود به هر حال نقش محدود را (از نظر زمانی) برای

نیروهای مسلح آمریکا در پکن قایل شود، تأکید کرد، تماسهای نظامی به توافق رسیده یک «بخش عادی» از بهبود روابط میان واشنگتن و هانوی و نیز کمک مهمی برای استقرار صلح و ثبات در شرق آسیا محسوب می‌شود.^{۶۰} بلافاصله پس از سفر «نگوین مان کام» برای نخستین بار یک هیئت نظامی از مقامات عالی جمهوری سوسیالیست ویتنام به ریاست «تران هان» (Tran Hanh)، معاون وزیر دفاع به آمریکا رفت. در آمریکا او نه تنها مورد استقبال سیاستمداران و نمایندگان عالیرتبه حکومت کلینتون قرار گرفت، بلکه در عین حال، فرصتی یافت تا از مجموعه‌ای از مراکز آموزشی ارتش آمریکا دیدار کند.^{۶۱}

در واقع، تشدید تماس میان ارتشهای دو کشور (به طوری که در بالا شرح آن رفت) و برجسته شدن منافع مشترک آنها (به طور رسمی) در زمینه سیاست امنیتی، نمی‌تواند چشم انسان را به روی این حقیقت ببندد که میان دو کشور همچنان اختلافات سیاسی بنیادین وجود دارد. در گزارش سالانه وزارت امور خارجه آمریکا از وضع حقوق بشر در دیگر کشورها، ویتنام همواره به پایمال کردن حقوق بشر در کشورش به شدت متهم می‌شود.^{۶۲} در این جا سران ویتنام، بخصوص سران ارتش علاوه بر مداخله مشکوک در امور داخلی دیگر کشورها، به تلاش برای از بین بردن نظام سیاسی جمهوری سوسیالیست ویتنام که در مسیر «جهش مسالمت‌آمیز» قرار دارد، متهم می‌شوند.^{۶۳}

با مطالعه اسناد داخلی، وضع نیروهای نظامی ویتنام باز هم روشنتر می‌شود. به این ترتیب، گروهی از ژنرالها در ششمین اجلاس عمومی کمیته مرکزی (حزب کمونیست) در ژوئیه ۱۹۹۸، سندی را ارایه کردند که در آن آمریکا «دشمن شماره یک» خوانده شده بود. با وجود آن که برخی از اعضای اداره سیاسی به طور تعیین کننده مخالف چنین ارزیابی‌هایی بودند، اما براساس داده‌های «گزارش اقتصادی خاور دور» ممکن بود برداشت آنها به حقیقت نپیوندد. برعکس، در برداشتی تصحیح شده از یک سند، تعاریف تندتری نیز به کار رفته بود.^{۶۴} در واقع، این انتقاد از سیاست آمریکا، علاوه بر سیاست این کشور در ویتنام، نقش سیاسی و نظامی آن را نیز که در دیگر نقاط جهان ایفا می‌کند و یا به عبارتی در صدد ایفای آن است، هدف گرفته است. از سیاست آمریکادر کامبوج، سودان و عراق گرفته تا آخرین حملات

هوایی این کشور به یوگسلاوی، همواره کنشهای آمریکا به عنوان تلاش برای مداخله در امور داخلی دیگر کشورها و نیز تلاش برای استقرار یک نظم نوین جهانی (که صرفاً تحت سلطه آمریکا باشد) محکوم می شود.^{۶۵} جمهوری سوسیالیست ویتنام که علی رغم درگیریهای ارضی شدید و نیز وجود منافع اقتصادی واگرا با جمهوری خلق چین، باورها و منافع سیاسی اصولی و مشترک دارد، در این انتقاد از اتفاق نظر کاملی با حکومت چین برخوردار است.^{۶۶} در دیدارهای مرتب میان سران حزب و حکومت دو کشور همواره تأکید می شود که سیاست و اقتصاد با توجه به مبارزه طلبیهای مشابه، اتخاذ استراتژیهای مشابهی را اقتضا می کنند و از این رو تبادل مداوم تجارت و اطلاعات برای دو طرف، مفید و ثمربخش خواهد بود.

بخشی از این روند مشاوره متقابل (که اهمیت آن نیز چندان کم نیست) در گفتگوهای میان سران سابق دو کشور تشریح می شود. در این گفتگوها، همچنین مسایل سیاست امنیتی که نمایانگر مناسبات دوجانبه صرف هستند، بررسی می شوند. جدیدترین مثال برای این مطلب، دیدار چینی ها با «پان تان نان» (Phan Than Ngan) رییس اداره سیاسی ارتش ویتنام و عضو اداره سیاسی حزب کمونیست ویتنام در آوریل ۱۹۹۹ بود که در پکن به گفتگوهای عمیقی با «یو یونگ بو» (Yu Yongbo) همکار چینی وی و نیز با «چی حائوتیان» (Chi Haotian)، وزیر دفاع چین انجامید. در این گفتگوها «پان» علاوه بر حمایت ارزشمندی که متضمن استقلال ملی، آزادی و وحدت چین در مبارزه مردم ویتنام بود، موافقت کامل خود را با همه نکات ارزیابی وزیر دفاع چین اعلام کرد. وی معتقد بود که برگزاری روابط باز هم نزدیکتر میان احزاب، دولتها و نیروهای مسلح جمهوری خلق چین و جمهوری سوسیالیست ویتنام، نه تنها در جهت منافع بنیادی دو کشور، بلکه در خدمت استقرار صلح و ثبات در منطقه و همچنین در جهان نیز خواهد بود.^{۶۷}

از این رو همکاری استراتژیک نظامی میان آمریکا و ویتنام، نه ارتباطی با ارزشها و باورهای سیاسی مشترک دارد و نه از تصویر مشخص و مشترکی از دشمن برخوردار است، زیرا در آمریکا نیز موضوع بحث، این است که آیا باید جمهوری خلق چین را نیز با خود همراه سازیم یا سد راه آن شویم؟ این بحث، هنوز به هیچ وجه خاتمه نیافته و روند اقتصادی و مبارزات سیاسی میان فراکسیونها را نیز مطیع خود نساخته است.

۵- نتیجه گیری و دیدگاهها

بی تردید حکومت کلینتون موفق شد به طور موثر مناسبات خود را با ویتنام بهبود بخشد. پیش از این با اعمال سیاست حکومت‌های سابق آمریکا، شدیدترین لطمات متوجه این روابط شده بود. لغو تحریم اقتصادی، به رسمیت شناختن کامل دیپلماتیک و بهبود شرایط برای برقراری روابط اقتصادی دوجانبه عوامل مهمی در روند عادی سازی روابط میان دو کشور (که مدتها به تأخیر افتاده بود)، به شمار می‌روند. اما این توفیقه‌های مسلم نیز نمی‌تواند این واقعیت را مخفی سازد که جراحات ناشی از جنگ هنوز التیام نیافته است و همچنان هیجانات و احساسات بشدت متضادی بر روابط متقابل حاکمند.^{۶۸} این مسئله، امری سرشتی است که چنین هیجاناتی، خواستهای تحقق‌ناپذیر را تشدید می‌کند. و این خواستها نمی‌تواند از عهده هیچ‌گونه سیاستی برآید. در هر دو طرف، نیروهای سیاسی وجود دارند که در صدد استفاده ابزاری از این احساسات برای حصول به اهداف سیاست داخلی هستند. این اهداف، هیچ رابطه مستقیمی با روابط ویتنام - آمریکا ندارند.

فشارهای ناشی از گذشته، همانند عدم تحقق انتظارات دست بالا در سالهای قبل، سنگین است. تحقق این انتظارات در ویتنام و آمریکا، به برقراری رابطه اقتصادی بستگی داشت، از این رو دو کشور فقط توانستند تا حدودی به این انتظارات نزدیک شوند. در عوض، امیدهای بسیاری از ویتنامی‌ها به حضور انبوه شرکتهای آمریکایی در کشورشان همچون امیدواریهای اقتصاد آمریکا به دستیابی به بازاری نو و با امکان گسترش سریع برای محصولات و خدمات آمریکا به یأس بدل شد. با این وجود در حوزه سیاست امنیتی، مجموعه‌ای از تماسها میان نمایندگان ارتش دو کشور وجود داشت، اما با توجه به اصول سیاسی و فقدان یک دشمن مشترک، تاکنون هیچ‌گونه بنیاد محکمی برای طرحهای مشترک سیاست امنیتی مشخص نشده است، از این رو در مورد کاربرد روی استراتژیهای مشترک باید سکوت کامل اختیار کرد.

بنابراین، روابط آمریکا - ویتنام بار دیگر در مرحله انتظارات یأس آلودی قرار گرفته است که ناگزیر از پی حصول خوشی و رضایت می‌آیند. این خوشی و رضایت، با لغو تحریم و به رسمیت شناختن دیپلماتیک حاصل شد. « لی کوآن یف » (Lee Kuan Yew)، رییس دولت

سابق سنگاپور و مشاور اقتصادی برجسته در حکومت ویتنام، وقتی در مقابل کادر عالی ویتنام اعلام کرد:^{۶۹}

«شما حساب آمریکایی‌ها را می‌رسید، همان طور که در جنگ این کار را

کردید. اول جلب نظر و بعد حمله.»^{۷۰}

به طور حتم قبلاً با بسیاری از سرمایه‌گذاران آمریکایی از صمیم قلب صحبت کرده بود. این وضع نیز همچون طرز تفکر کمونیست‌های نسل گذشته ویتنام قابل درک نیست. این کمونیست‌ها سیاست آمریکا را تلاشی می‌دانستند برای تبدیل شکست به یک پیروزی دیر هنگام.^{۷۱}

۵۹

بی تردید، هنوز زمانی دراز، شکیبایی وافر و حس همدردی سیاسی لازم است تا بتوان در هر دو طرف از ضربه‌های روحی گذشته و از انتظارات بیش از حد دست‌بالا رها شد و به برداشتی واقعی‌تر از طرفهای مقابل دست یافت. برای رسیدن به یک نگرش واقع‌گرایانه از مناسبات دوجانبه و عادی‌سازی واقعی روابط، باید از پایین آوردن جایگاه ارزش خود شروع کرد؛ یعنی، ویتنام باید بپذیرد که مدت زیادی ایفاگر یک نقش تعیین‌کننده در سیاست آمریکا در مقابل آسیا نخواهد بود، همان طور که آمریکا نیز باید بیاموزد که مدت درازی کانون و محور سیاست ویتنام در مقابل «غرب» نخواهد ماند. اساساً وداع با مؤلفه‌ای که مدت‌ها اعتبار داشته است، کار ساده‌ای نیست.

جدول ۱- تحولات بازرگانی دوجانبه میان آمریکا و ویتنام
(بر حسب میلیون دلار)

سال	آمریکا-ویتنام	ویتنام-آمریکا	حجم بازرگانی
۱۹۹۴	۱۷۲	۵۱	۲۲۳
۱۹۹۵	۲۵۳	۱۹۹	۴۵۲
۱۹۹۶	۶۱۶	۳۱۹	۹۳۵
۱۹۹۷	۲۷۸	۳۸۸	۶۷۵
۱۹۹۸	۲۷۴	۵۵۳	۸۲۷

ارقام جدول بالا براساس اداره آمار آمریکا ارایه شده است.

<http://www.census.gov/foreign-trade/sitc1/1998/c5520.htr>

جدول ۲- تحولات سرمایه گذاری آمریکا در ویتنام
(بر حسب میلیون دلار)

جمع	۱۹۹۸	۱۹۹۷	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳
۱,۲۰۰	بدون آمار	۲۷۷	۵۱۳,۴	۶۷۸,۶	۲۶۶,۴	۳,۶

پاورقی‌ها:

1. Gerhard Will, Die Vietnampolitik der Clinton-Administration in: *BIOst(Berichte des Bundesinstituts fur ostwissenschaftliche Und internationale Studien)*, nr.23, 18.6.1999, Koln 1999.

2. Gerhard Will, Vietnam a.die USA seit dem Fall van Saigon, in: *BIOst (Berichte des Bundesinstituts Fur ostwissenschaftliche and Internatioanle Studein)*, Nr.69, 11.1989.

۳- در مورد سیاست آمریکا در ویتنام در طول جنگ جهانی دوم ر.ک. به:

David G. Marr, Veitnam 1945. *The Quest for Power*, Berkely et al. 1995, s.261 ff.

4. Hans Haberl, , Vietnam. Die USA und Vietnam in den 25 Jahren nach dem Waffenstillstands abkommen von Paris, in: *Osterreichische militarische Zeitschrift*, Jan/ febr.1998, s.93.

۵- براساس ارزیابی «Export Council» که به سفارش بوش، رییس جمهور وقت آمریکا انجام شد و طی یادداشتی در مارس ۱۹۹۲ تسلیم وی گردید.

Nick J. Freeman, United States Economic Sanctions Against Vietnam, in *The Columbia Journal of World Business*, Nr.2/1993, s.16.

۶- به گفته «ریچارد لاگر»، سناتور آمریکایی، وقت آن است که بانگاهی نوبه ویتنام بیندیشیم.

Richard G.Lugar, Its Time for new Thinking on Vietnam, in: *The Christian Science Monitor*, 504. 1991, s.2.

7. Frank Tatu, U.S. and Vietnam: Converging Interests?, in: *indochina Issues*, Nr.81, 1988, s.2.

8. *Far Eastern Economic Review (FEER)*, 25.4.1991, s.10.

۹- سرانجام کلیتون در سوم فوریه ۱۹۹۹ به صراحت این آمادگی ویتنام را گرامی داشت. ر.ک. به: *Asia Defence Journal*, Nr. 3 1999, S. 54.

10. *International Merald Tribune*, 1.9. 1989, S. 3.
11. National League of Families of Americans Prisoners and Missing in Southeast Asia.
12. Nick J. Freeman, United States Economic Sanctions Against Vietnam. International Business and Development Repercussions, in *The Columbia Journal of World Business*, Nr. 2, 1993, S. 16.
13. Frederick Z. Brown, Winning in Vietnam, in *SAIS Review*, Nr. 13, 1993, S.61.
14. Ebd.
- ۱۵- از این رو «کلیفتون وارتن Clifton Wharton، معاون جدید وزیر امور خارجه در ژانویه ۱۹۹۳ علاوه بر اعلام آمادگی برای همکاری هانوی در مسئله کامبوج و مفقود الاثرا، از رها کردن زندانیان سیاسی به عنوان شرط لغو تحریم اقتصادی نام برد.
- Indochina Digest* , 29. 1. 1993, S. 4.
16. U.S. Vietnam relations. Issues Committees. United States General Accounting Office, Washington D.C.: GAO, 1995, S. 8f.
17. Ebd. , S. 12.
18. *Indochina Digest*, 14.7. 1995, S. 1.
19. "I strongly believe That engaging the Vietnamese on the broad economic front of economic reform, and the broad front of democratic reform, will help to honot the sacrifice of those who fought for freedom's sake in Vietnam."
20. FEER, 27. 6. 1996, S. 18.
21. *Asian Defency Journal*, Nr. 2, 1997, S. 57.
22. *Vietnam News Agency*, 14.18. 1997, Zit. nach BBC, Summery of World Broadcasts, Asia and Pacific (SWB-FE), 20. 8. 1997 , B/4.
23. *Voice of Vietnam*, 28. 6. 1997, Zit. nach, SWB- FE, 30. 6. 1997, B14.
24. Oskar Weggel, *Leistung lohnt sich wieder. Die amerikanische "Offnung Vietnams*, in: Roland Platz, Gerd Rieger (Hrsg.), *Sud-ostasien im Wandel*, Stuttgart 1996, S. 110. ff.
25. Micheal A. Samuels, *fruherer Botschafter der USA beim GATT*, in einem Mearing des Subcommittee on Asia and the Pacific am 18.6.1997, U.S. Government Printing Office, Washington 1998, S. 33.
26. Allan E. Goodman, Dateline Manoi: Recognition at Last, in *Foreign Policy*, Nr. 100, 1995, S. 44.
27. Radio Australia, 7.4.1997, zit. nach SWB-FE, 8.4.1997, B/15.

28. *Financial Times*, 2.12.1997, S. 26.
29. *International Merald Tribune*, 24.6.1998, S. 7.
- ۳۰- تا ژوئن ۱۹۹۸، اصطلاح «اصل دول کامله الوداد» مرسوم بود، ولی از آن زمان به بعد از «مناسبات عادی تجاری» «Normal Trade Relations» (NTR) صحبت می شد.
31. Statment von Susan G. Esserman in einem Mearing des Reprasetantenhvses am 18.6.1997 (Anm. 22), S. 50.
32. *Voice of Vietnam*, 16.4. 1997, zit. nach SWB-FE, 22.4. 1997, B/3.
33. zit. nach Vietnam- Info, Nr. 4, 1997, S. 3.
34. *Frankfurter Rundschau*, 13.10. 1997, S. 2.
- درخواست پذیرش ویتنام در مذاکرات همکاری ویتنام با سازمان تجارت جهانی که به طور همزمان جریان داشتند و به هر حال به مسئله آزاد کردن بازار داخلی و تسهیل چارچوب حقوقی شرایط مربوط می شد، طی نامه ای به این سازمان پاسخ داده است. در این نامه، کمتر از ۱۵۰۰ پرسش مجدد در مورد جزئیات مسایل مزبور در بالا مطرح شده بود.
35. *The Saigon Times*, 6.10. 1998, S. 1.
36. *Voice of Vietnam*, zit. nach SWB-FE, 8.10.1998, B/8.
37. *Financial Times*, 29. 7. 1998, S. 4.
38. *Vietnam Economic Review*, Nr. 1, 1998, S. 35u. 37.
39. *Voice of Vietnam*, zit. nach SWB-FE, 28.3.1998, zit. nech SWB-FE, 8.4. 1998, WB/3.
40. So das Mitglied des Repres sentantantenhauses Brad Sherman (Cal.) in einem Mearing des Subcommittee on Asia and the Pacif in am 18. 1.6.1997. U.S. Government Printing Office, Washington. 1998, S. 19
- ۴۱- در مورد سقف سرمایه گذاری آمریکا در ویتنام، داده های بسیار متعددی وجود دارد. آمار ارایه شده در جدول که واقع گرایانه ترین ارقام از نظر نویسنده مقاله بوده اند، از داده های موجود در منابع زیر استفاده شده است:
- Do Loc Diep, Vietnam -US Relations, one year after normalization, in *Vietnam Economic Review*, Nr. 1, 1997, S. 21.
- داده هایی که آمریکا ارایه کرده، بسیار پایینتر از ارقام ویتنام است، زیرا OPIC تا ارایه هیچ حمایتی را در قالب بیمه قطعی نمی کرد، مجموعه ای از سرمایه گذاریهای آمریکا به طور رسمی اعلام نمی شد.
42. *Voice of Vietnam*, 11.11. 1998, Zit. nach SWB-FE, 18. 11. 1998, WB/3.
43. Do Lue Diep, Vietnam- US relations, one year after normalization, in *Vietnam Economic Review*, Nr. 1, 1997, S. 21.
44. Vietnam “rom 11. 11. 1998 (Anm. 41) 1,1 Mrd. US-Dollar gennant.

۴۵- براساس خبری که «نگوین نگوک بیچ» Nguyen Ngoc Bich، در نهم آوریل سال ۱۹۹۹ به نویسنده این مقاله اعلام کرد، وزارت بازرگانی ویتنام در اواخر فوریه ۱۹۹۹، سرمایه‌گذاریهای آمریکا در ویتنام را به میزان ۱,۴۰۵ میلیارد دلار تخمین زده است. در این مورد، هیچ تأیید دیگری به دست مؤلف مقاله نرسیده است. اما به فرض صحت این رقم، باید نتیجه گرفت که دست کم ۲۰ درصد توافقیهای انجام شده در زمینه سرمایه‌گذاری، بار دیگر بی نتیجه مانده‌اند.

۴۶- ویتنامی‌ها رسماً برای استدلال، این موضوع اظهار می‌داشتند که ابتدا لازم است این توافقنامه به تأیید کنگره آمریکا برسد، اما گرفتن این تأیید نیز همچنان به تعویق افتاده است.

47. Meldung der Nachrichtenagentur Reuters vom 26.6.1998.

48. *Los Angeles Times*, 25.12.1998, S. 3.

۴۹- همانجا.

50. *Voice of Vietnam*, 15.3.1999, zit. nach SWB-FE, 24.3.1999, WB/3.

51. *Financial Times*, 20./21. 3. 1999, S. 3.

52. FEER, 11. 2. 1999, S. 26.

53. Deutscher Text, in: *Vietnam-Bulletin*, Nr. 3, 1987, S. 8.

54. U.S. Vietnam relations. Issues and Implications. Report to Congressional Committees. United State General Accounting office, Washington/ D.C.: GAO, 1995, S. 18.

55. Thu Vo Van Kiet goi Bo Chinh Tri (Brief Vo Van Kiets an das politburo), in: *Viet Luan* [Paris] , 5. 1. 1996, S. 30 fu.s. 58 ff.

56. der EURO VIET-III Koferenz in Amsterdam, Juli 1997.

57. *Voice of Vietnam*, 14.10.1996, zit. nach SWB- FE, 16.10.1996, B/5.

58. Zur Krise im chinesisch-Vietnamesischen Verhältnis im Frühjahr 1997 Vgl. Gerhrd Will, *China and Vietnam. Chances and Limitations of Bilateral Cooperation*, Berichte des BIOST, Nr. 24-1998, S. 1744.

59. FEER, 3.4. 1997, S. 16.

60. *Voice of Vietnam*, 5.10. 1998, zit. nach SWB-FE, 8. 10. 1998, B 16.

61. *Voice of Vietnam*, 13. 10. 1998, zit. nach SWB-FE, 15. 10. 1998, B 16.

۶۳- این استدلال در کتاب سفید وزارت دفاع ویتنام به چاپ رسید. همه دولتهای عضو آسه آن، موظف به همکاری در انتشار این کتاب هستند.

FEER, 24. 9. 1998, S.B.

64. FEER, 20. 8. 1998, S. 8.

65. Vietnam News Agency (VUA), 22. 78. 1998, zit nach SWB-FE, 25. 8. 1998, B/5, Nhan Dan, 18. 12. 1998, zit. nach SWB-FE, 19. 12. 1998, B 15; VNA, 5. 4. 1998, zit nach SWB-FE, 6.4. 1998, B/7.

۶۶- در مورد آخرین تحولات در مناسبات میان چین و ویتنام ر. ک. به:

Gerhard Will, China und Vietnam, a.a. O.

و نیز ر. ک. به: پی نوشت شماره ۵۳ در همین مجموعه.

۶۷- در مورد دیدار Phan Thanh Ngans ر. ک. به:

Xinhua News Agency, 14. 4. 1999, zit. nach SWB-FE, 16. 4. 1999., G/8F.

68. "America, With its Wealth and Freedoms, represents a modern world that Vietnam Fears-and aspires to", Schrieb hierzu Seth Mydans, in: International Herald Tribuue, 10./11. 4. 1999, S. 2.

69. "You're treating the Americans Like you did in the war. You invite them and then you ambush them."

70. Los Angeles Times, 25. 12. 1998, S.3.

71. FEER, 11.2. 1999, S. 24.

1. Michael Maclear, *Vietnam: The Ten Thousand Day War*, London 1998, S. 68.
2. Archimedes Patti, *Why Vietnam? Prelude to America's Albatross*, Univ. of California Press, 1980.
3. Neil Sheehan, *A Bright Shinning Lie. John Paul Vann and America in Vietnam*, London 1989, S 144 F.
4. Text des Abkommments in *Neue Zumcher Zeitung*, 26. 1. 1973, 1.12. 9. 1985, 7. 1. 1986, (NZZ).
5. *Far Eastern Economic Rewiew*, 4. 7. 195, S. 13, 12. 12. 1975, S. 32; 30. 7. 1979, S. 12; 28. 5. 1976, S. 14; 1. 4. 1977, S. 5; 11. 3. 1977, S. M; 24. 6. 1977, S. 32; 17. 2. 1978, S. 5; 2. 2. 1979, S. 20; 7. 7. 1978, S. 51; 8. 9. 1978, S. 5; 30. 4. 1987, S. 13; 11. 6. 1987, S. 8; 8. 10. 1987, s. 21; 9. 6. 1988, S. 9; 9. 9. 1977, S. 18; 1. 10. 1987, S. 70; 16. 7. 1987, S. 57; 1. 10. 1987, S. 70; 22. 10. 1987, S. 11; 8. 10. 1987, S. 21; 8. 10. 1987, S. 21; 9. 6. 1988, s. 18; 28. 7. 1988, S. 22; 29. 7. 1988, S. 28; 31. 8. 1989, S. 12; 9. 12; 9. 2. 1989, S. 98; 28. 9. 1989, S. 22 F; 26. 9. 1989, s. 22 F., (FEER).
6. *Radio Hanoi*, 1. 10, 1975, (RM), zit. nach *Monitordienst Asien der Deutschen Welle*, 3. 10. 1975, S. 8 F.; 3. 8. 1988, zit nach *SWB-FE*, 5. 8. 1988, A1.. S 1; 30. 8. 1988, zit. nach *SWB-FE*, 1. 9. 1988, A1, S. 1; 31. 7. 1. 1989, zit. nach *SWB-FE*, 1. 8. 1989, i und UVA, 11. 9. 1989, zit. nach *SWB-FE*, 14. 9. 1989, A1, S. 2; 22. 5. 1998, zit nach *SWB-FE*, 18. 7. 1988, A1, S. 1; 30. 8. 1988, zit. nach *SWB-FE*, 30. 8. 1989, B, S. 1.; 28. 8. 1989, zit. nach *SWB-FE*, 30. 8. 1989, B, S. 1.; 28. 8. 1989, zit. nach *SWB-FE*, 30. 8. 1989, B, S. 2., (MOA), RH, 31. 7. 1989, zit. nach *SWB-FE*, 1. 8. 1989,i,
7. *Summery of World Brodcasts-Far East der BBC*, 8. 8. 1975, B. S. 2 f., (*SWB-FE*).
8. George McGovern, *Vietnam: 1986. A Report to the Committee on Foreign Relations United Senate*, U. S. Government Printing Office, Washington 1979, S. 2 und 17.
9. Note des State Department vom 8. 5. 1976, zit. nach MOA, 20. 9. 1976, S. 7 F.
10. Bericht der Woodcock-Mission, in: Department of State Bulletin, 18. 4. 1977, S. 364 und 374.

11. Nagan Chanda, *Brother Enemy: The War after the War*, San Diego/ New York/ London 1986, s. 152, 153, 263 ff.
12. *International Herald Tribune*, 31. 12. 1976 und 22. 3. 1977, 18. 6. 1983, 20. 3. 1987, 1. 10. 1987, 4. 1. 1988, 21. 1. 1988, 20. 5. 1988, 16./ 17. 7. 1988, 1. 9. 1989, 11. 9. 1989, 13. 7. 1989, 27. 9. 1. 1989, 20. 9. 1989, 4. 11. 1989, 16. 1. 1989, 3. 10. 1989, (IMT).
13. Gerhard Will, *Vietnam 1975-1979: Von Krieg zu Krieg*, Hamburg 1987, S. 86 ff., 96 ff. 108 ff., 131.
14. Kyodo, 10. 70. 1978, zit. nach *MOA*, 12. 7. 1978, S. 1f, 22. 7. 1987, zit. nach *SWB-FE*, 23. 7. 86, i.
15. AFN Manila, 21. 8. 1978, zit. nach *MOA*, 23. 8. 1978, S. 4.
16. Deutsche Übersetzung des "Vertrages über Freundschaft und Zusammenarbeit" am 3. 11. 1978, zwischen Hanoi und Moskau, in *Frankfurter Allgemeine Zeitung*, 6. 11. 1987, (*FAZ*).
17. *Report of Congressional Study Mission to Bangkok, Hanoi, and Seoul*, February 11-18, 1986 to the Committee on Foreign Affairs U.S. House of Representative (*Report*), U.S. Government Printing Office, Washington 1986, S. 14, 16.
18. *Tagesspiegel*, 15.8.1985.
19. Gerhard Will, *Vietnam nach dem 6. parteitag der KPV: Zwei Schirte Vorwärts, ein Schritt zurück*, Berichte des Bundesintituts für ostwissenschaftliche und internationale Studien (BIOst), Nr. 2011988.
20. *Agence France Presse (AFP)*, 28. 5. 1987, zit. nach *SWB-FE*, 1.6.1987, A1, S.1.
21. *Le Mond*, 22.6.1987, 29.12.1988.
22. *Vietnamese News Agency (VNA)*, 18.6.1987, zit. nach *MoA*, 22.6. 1987, S. 4f, VNA, 21.7.1988, zit. nach *SWB- FE*, 23.7.1988, A.1, S. 1, VNA, S. 16.12.1988, zit. nach *SWB- FE*, 17.12.1988, A1, S.1, VNA, 27.4.1989, zit. nach *SWB- FE*, 29.4. 1989, A1, S.1, VNA, 11.9.1989, zit. nach *SWB- FE*, 14.9.1989, A1. S. VNA, 28.8.1987, zit. nach *SWB- FE*, 31.8.1987, A1, S.2, VNA, 8.4.1988, zit. nach 11. 4. 1988, A1, S.1., VNA, 9.6.1988, zit. nach *SWB- FE*, 21.2. 1987, i, VNA, 16.2. 1987, zit. nach *SWB- FE*, 18. 7, 1987, A1. S. 1, VNA, 7.8. 1989, zit. nach *SWB- FE*, 7.8. 1989, A1, S. 3.

23. Deutscher Text, in: Vietnam- Bulletin, 3/1, 87, S. 8.
24. *Nhan Dan*, 10. 6. 1988, 3.8. 1988, 12.4.1987, 29.11. 1987, 25.8.1989.
25. Keneth Conboy, *The U.S. and Vietnam: Twelve Years after the War*, The Meritage Lectures, Nr. 745, Washington 1987, S. 4f.
25. *Quan Doi Nhan Dan*, 5.8. 1988.
26. Xinhua, 26. 5. 1987, zit. nach MOA, 27.5. 1987.
27. The Socialist Republic of Vietnam, Report No, 1718- VN, 12.8, 1977.
28. Larry Minear, *Private Aid and Public Policy: A Case Study*, Indochina Issues, 82/ 1988, S. 5, 7, 6.
29. Bangkok Post, 10.6.1989, 11.5, 1989, 21.7, 1989, 2., 4.3.1989.
30. Deutscher Text des Kommuniques, in: Vietnam Bulletin, 3/1987, S. 8.
31. Frank Snepp, *Decent Interval. The American Debacle in Vietnam and the Fall of Saigon*, Marmondsworth 1980.
32. Eberhard Knappe, *Fluchttings aus Indochina*, in: Abraham Ashkenasi (ed.) *Das weltweite Fluchttings Problem. Sozialwissenschaftlich Versuche einer Annäherung*, Breman 1988, S. 95f, 96f.
33. Stephen Goose u. Kyle Morst, *Amerasians in Vietnam: Still Waiting*, Indochina Issues, 83/1988, S. 2, 3, 4.
34. Parteichef Nguyen Van Lin gegenüber Kyodo, 22. 7. 1987, zit. nach SWB- FE, 23. 7. 1987, i.
35. Gerhard will, *Vietnam nach dem 6. Parteitag der KPV: Zwei Schritte vorwärts, ein Schritt zuruck*, Berichte des BIOst, Nr. 20/1988, S. 36ff.
36. Bericht von A. whiting in: *FEER*, 29.7.1988, S. 18.
37. New York Megazin, 1.5. 1988.
38. Frank Tatu, *U.S. and Vietnam: Converging Interests?*, Indochina Issues, 87/1988, S. 2, 4f, 23f, 37f.
39. Engilscher Text der *Regierungserklärung der SR Vietnam vom 29.9. 1989*, in SWB- FE, 3. 10. 1989, A3, S. 2f.